آزفا ۱

آموزش زبان فارسی

دورهٔ مقدّماتی

کتاب اوّل

تألیف

دکتر یدالله ثمره

جمهوری اسلامی ایران

ادارهٔ کل روابط و همکاریهای بین‌الملل

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

فهرست مطالب

شماره برگهٔ فهرست‌نویسی کتابخانه ملی ۵۸ ـ ۶۶ م

نام کتاب: آموزش زبان فارسی، دورهٔ مقدماتی، کتاب اول، شماره ردیف ۱

مؤلف: دکتر یدالله ثمره

ناشر: ادارهٔ کل روابط و همکاریهای بین‌الملل وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

نوبت چاپ: چاپ اول

تعداد: سه هزار نسخه

تاریخ انتشار: ۱۳۶۶ هجری شمسی

چاپ: شرکت افست (سهامی عام)

موضوع	صفحه

به‌نام خُدا

پیش‌گفتار

این کتاب، نخستین بخش از دورهٔ مقدماتی «آموزش زبان فارسی» (آزفا) است. مجموعهٔ کامل آزفا شامل سه دورهٔ مقدماتی، متوسطه، و عالی است. هدف از تدوین این مجموعه آموزش خط و زبان فارسی به خارجیان از آغاز تا مرحله پایانی آست تا زبان‌آموز بتواند از رادیو، تلویزیون، روزنامه و متون نظم و نثر فارسی بهره‌مند گردد.

دورهٔ مقدماتی شامل دو کتاب است که طیّ آن زبان‌آموز با فارسی متداول گفتاری و نوشتاری در حدّ نیازمندیهای عملی روزمرّه آشنا می‌گردد. در پایان این دوره وی قادر خواهد بود با فارسی زبانان ارتباط زبانی برقرار کند، متون فارسی در حدّ دورهٔ تحصیلات ابتدائی را بخواند و بفهمد، و نیز اصطلاحات و ساختهای دستوری زبان گفتاری را دریابد و به کار برد.

زبان فارسی، مانند هر زبان دیگر، دارای دو گونهٔ گفتاری و نوشتاری است. تفاوت دو گونهٔ مذکور گاه به اندازه‌ایست که گویندهٔ غیر بومی در درک آن با اشکال روبه‌رو می‌شود و خود را ناگزیر از آموزش می‌بیند. ویژگی گونهٔ گفتاری کوتاه‌سازی برخی واژه‌ها و افعال از طریق حذف، تغییر و یا همگون‌سازی پاره‌ای از صداهاست. جای اجزاء جمله چندان ثابت نیست و نیز گاهی جزء یا اجزائی از جمله حذف می‌گردد. به عنوان نمونه‌ای از این تفاوتها به چند مثال زیر توجه نمائید؛ صورت اوّل گونهٔ نوشتاری است و صورت دوّم گونهٔ گفتاری.

می‌نشینیم	می‌شینیم	I sit
می‌روند	می‌رن	They go
نان	نون	Bread
او به خانه آمد	اون اومد خونه	He came home

در دورهٔ مقدماتی هر دو گونه از زبان مورد توجّه قرار گرفته و پا به پای گونهٔ نوشتاری شکل گفتاری واژه‌ها و افعال و جمله‌ها نیز داده شده است.

ندیشه‌ها و بیان لطیف‌ترین احساسات و عواطف انسانی به عهده داشته است. بزرگانی چون ردوسی، مولوی، سعدی، حافظ و بسیاری دیگر شاهکارهای جاویدان خود را به این زبان پدید ورده‌اند. از این‌روست که یادگیری زبان فارسی و تسلّط بر آن در حکم کلیدی است برای سترسی به گنجینه‌ای بس غنی و شگفت‌انگیز. و امید است که مجموعهٔ «آموزش زبان فارسی» (آزفا) بتواند خدمتی، ولو اندک، در جهت تسهیل امر یادگیری این زبان به علاقمندان آن عرضه نماید.

در اینجا لازم می‌دانم از سرکار خانم دکتر ژاله آموزگار استاد محترم زبانهای باستانی در دانشگاه تهران که نسخهٔ دست‌نویس این کتاب را به دقّت از نظر گذرانده نظرات و پیشنهادهای بسیار مفیدی ارائه نمودند، و همچنین از جناب آقای حسن عسکری‌راد که طرحی برای آموزش سمعی و بصری فارسی به خارجیان تهیه نموده و نگارنده را به تألیف این کتاب ترغیب نمودند، و نیز از جناب آقای محمّد معصومی که با علاقهٔ وافر موجبات چاپ و انتشار این کتاب را فراهم ساختند صمیمانه سپاسگزاری نمایم. باید اذعان کنم که جمعیّت خاطری که هنگام تألیف این کتاب داشته‌ام مرهون همسرم دکتر ایران کلباسی است.

دکتر یدالله ثمره

از میان لهجه‌های گوناگون فارسی، لهجهٔ تهرانی که لهجهٔ معیار یا «استاندارد» محسوب می‌شود و در رادیو، تلویزیون، و فیلمهای سینمائی و غیره به کار می‌رود انتخاب گردیده است.

دستور زبان به طور غیرمستقیم و در خلال عبارتها و جمله‌ها مطرح می‌گردد یعنی همان‌طور که کودک زبان مادری خود را می‌آموزد. منتهی چون خوانندهٔ این کتاب خود از قبل با مفاهیم دستوری زبان مادری خویش آشناست لذا معمولاً چکیده‌ای از هر مطلب دستوری به صورت یک فرمول ارائه گردیده و نیز توضیحی مختصر دربارهٔ آن به زبان انگلیسی ساده در پانویس صفحهٔ مربوطه آمده است. برای هر مطلب دستوری مثالهای فراوان وتمرینهای گوناگون، و گاه طولانی، که همه دارای کاربرد روزمرّه هستند داده شده است تا از این طریق زبان‌آموز خود را در محیط فارسی زبان احساس کند، درنتیجه اشتیاق آغازین برای یادگیری زبان در او تداوم یابد.

استفاده از زبان انگلیسی به عنوان زبان واسط فقط در حدّ ضرورت صورت گرفته است. البتّه معادل واژه‌ها و ترجمهٔ بسیاری از جمله‌های نمونه به انگلیسی داده شده است. این ترجمه‌ها بیشتر صورت واژه به واژه دارد تا ترجمهٔ سلیس، زیرا هدف زبان فارسی است نه انگلیسی و ترجمهٔ واژه به واژه بهتر می‌تواند ویژگیهای دستوری جملهٔ فارسی را نشان دهد. از این‌روست که گاه بعضی از جمله‌های انگلیسی ممکن است غیرمعمول جلوه کند.

از آنجا که تلفّظ صحیح واژه‌ها، عبارتها وجمله‌ها و نیز آهنگ صدا نقش بنیادین را در گفتار به عهده دارد سعی شده است حداکثر استفاده از وسایل سمعی و بصری به عمل آید تا هم کار زبان‌آموزی را آسان‌تر و دلپذیرتر نماید و هم در عین حال بیشترین نتیجه را در کمترین زمان به دست دهد. از این‌رو تمام مطالب کتاب بر روی نوار «کاست» ضبط گردیده که باید همراه با کتاب مورد بهره‌برداری قرار گیرد. همچنین در نظر است که پاره‌ای فیلمهای کوتاه «ویدیوئی» بر پایهٔ جمله‌ها و گفت وشنودهای مندرج در کتاب فراهم گردد که بی‌شک تأثیر شایان در امر زبان‌آموزی خواهد داشت.

لازم به یادآوریست که کتاب و نوارهای مربوط به آن می‌توانند، درصورتی که معلّم فارسی‌زبان فراهم نباشد، به طور خودآموز مورد استفاده قرار گیرد مشروط بر آن که با دقّت در شنیدن نوار و تکرار کافی سعی شود واژه‌ها و جمله‌ها همان‌طور که شنیده می‌شوند تلفّظ گردند. با این حال وجود معلّم فارسی زبان در ارزیابی تلفّظ و تصحیح آن بسیار مفید و کارساز خواهد بود.

چنان که می‌دانیم، زبان فارسی در طیّ قرون نقشی بس ارزنده در تجلّی ظریف‌ترین

راهنمای تدریس و استفاده از کتاب

۱. نشانه‌هائی که در این کتاب به کار رفته به قرار زیر است

الف ــ صورت گفتاری واژه‌ها و عبارتها و جمله‌ها بین دو قلاّب به صورت [ ] آمده است

ب ــ چون ترجمهٔ انگلیسی معمولاً واژه به واژه است، بنابراین آنچه که در انگلیسی هست ولی در فارسی نیست بین دو ابرو به صورت ( ) آمده و آنچه که در فارسی هست ولی در انگلیسی نیست به صورت (=) دیده میشود به عنوان مثال.

زیباست (It) is pretty

هوا سرد است It (=the air) is cold

پ ــ علامت { } به معنی ارزش یکسان کلمات داخل آنست یعنی انتخاب مساوی.

ت ــ نشانهٔ / به معنی or = یا است

۲. کتاب حاضر دارای هشت درس است که فراگیری آن به حدود هشت هفته زمان نیاز دارد در هر هفته حدود ۶ ساعت کار در کلاس و نیز دست‌کم ۶ ساعت کار در منزل توسّط زبان‌آموز جهت حل تمرین‌ها و گوش دادن به نوار و تکرار آن باید درنظر گرفته شود

۳. درسهای اوّل و دوّم که مخصوص آموزش صداها و خط فارسی است از اهمیّت ویژه برخوردارند و تا حصول اطمینان از این که زبان‌آموز آنها را به درستی فرا نگرفته نباید به دروس دیگر پرداخت تمام دقّت زبان‌آموز باید متمرکز بر نحوهٔ تلفّظ صداها باشد و بنابراین نباید از وی خواست تا معنی واژه‌های این دو درس را به ذهن بسپارد

در مورد واکه‌ها، تفاوت بین صداهای â و a (آ و ـَ)، i و e (ای و ـِ)، u و o (او و ـُ)، ey و e (ای و ـِ)، ow و o (اُو و ـُ) باید به درستی درک شود. این کار به وسیلهٔ تمرین و تکرار زیاد امکان‌پذیر خواهد بود.

«مادر امشب کجاست؟» پرسیده شود «آن مرد امروز کجاست؟» و غیره. زبان این گونه تمرین‌ها صرفاً محاوره‌ای یا گفتاری است، بنابراین باید دقّت شود که آهنگ صدا و جای تکیه در واژه‌ها به درستی رعایت گردد.

۸. تکلیف منزل زبان‌آموز حتماً باید توسّط معلّم بررسی گردیده اشتباهات آن به وی گوشزد گردد. این کار را می‌توان به صورت جمعی در کلاس انجام داد، بدین معنی که از یک‌یک آنان خواسته شود تا آنچه را که نوشته‌اند بخوانند و اشتباهات آنان توسّط معلّم توضیح داده شود. در مواردی که تصحیح کلاسی به دلیل صرف وقت زیاد مقدور نیست معلّم باید تکالیف را در منزل تصحیح نموده و جلسه بعد موارد اشتباه را توضیح دهد. البتّه کلید تمرین‌ها کمک مؤثری در این‌باره به معلّم می‌کند زیرا زبان‌آموز می‌تواند تکلیف خود را از روی آن تصحیح کند. ولی بسیار اتّفاق می‌افتد که دلیل چیزی را نمی‌فهمد که در این صورت باید توسّط معلّم توضیح داده شود.

۹. باید توجّه داشت که حتی ساده‌ترین مسائل زبانی که برای معلّم فارسی زبان بدیهی و واضح می‌نماید ممکن است برای زبان‌آموز مسئله‌ای مشکل جلوه کند. از این‌رو رفتار معلّم باید چنان صمیمانه و توأم با مهربانی باشد که زبان‌آموز بتواند هرنوع مشکلی را به راحتی مطرح سازد.

۱۰. کلید هر تمرین به جای خود آن تمرین بر روی نوار ضبط شده است، بنابراین، بخشی زیر عنوان «کلید تمرین‌ها» آن گونه که در پایان کتاب دیده می‌شود بر روی نوار وجود ندارد.

۱۱. زبان‌آموز باید معنی تمام واژه‌های خوانده شده و نیز جمله‌های نمونه و جمله‌های اصطلاحی را به ذهن بسپارد.

۱۲. باید زبان‌آموز را ترغیب نمود تا آنجا که ممکن است در ساعات غیرکلاسی به نوار گوش فرا دهد و خود آنرا تکرار کند، زیرا، چنان که می‌دانیم، اساس کار زبان‌آموزی بر شنیدن و تکرار استوار است. هرچه بیشتر به این دو نکته توجّه شود نتیجه مطلوب‌تر خواهد بود.

۱۳. کلاس زبان باید زنده و باروح و توأم با حوصله و مهربانی اداره شود. در غیر این صورت اشتیاق زبان‌آموز به تدریج فروکش کرده درنتیجه از تعداد شرکت کنندگان به طور روزافزون کاسته می‌گردد.

۱۴. در شروع دوره برای هر زبان‌آموز باید یک پروندهٔ تحصیلی تشخیص گردد که در آن میزان حضور در کلاس، میزان شرکت در فعالیتهای کلاسی، میزان پیشرفت، نمرات دیکته و تکالیف منزل، نمرات آزمونهای کلاسی، نظرات معلّم دربارهٔ چگونگی کار زبان‌آموز به طور مرتّب

۴ در آغاز هر درس واژگان مربوط به آن درس دیده میشود. تلفّظ هر یک از واژه‌ها باید ابتدا از نوار پخش گردد و سپس از زبان‌آموز خواسته شود تا آنرا تکرار کند. معلّم باید تلفّظ زبان‌آموز را ارزیابی و تصحیح نماید. این روش باید در مورد یک‌یک زبان‌آموزان اعمال گردد.

۵ پس از واژگان، نوبت به نکات دستوری و جمله‌های نمونه می‌رسد. جمله‌های نمونه که با عنوان «بشنوید و تکرار کنید» مشخص شده‌اند حاوی نکات دستوری می‌باشند و باید پس از شنیده شدن از نوار توسط یک‌یک زبان‌آموزان تکرار شود. تلفّظ زبان‌آموز باید بوسیلهٔ معلّم ارزیابی و تصحیح گردد. نکات دستوری جمله‌های نمونه باید به وسیلهٔ معلّم حتی‌الامکان به زبان فارسی تشریح گردد. البته این کار در اوائل قدری مشکل است امّا می‌توان از زبان ایما و اشاره و یا بعضی نشانه‌ها   روی تخته سیاه استفاده کرد. مثلاً، می‌خواهیم به زبان‌آموز بگوئیم که کاربُرد ضمائر اشارهٔ «این و آن» برای مفرد و جمع، برخلاف انگلیسی، یکسانست. عبارت «این مرد» و مقایسهٔ آن با «این مردها» حاوی همین نکته است. می‌توان روی تخته چنین نوشت:

این مرد

این مردها

این ~~آنها~~ مردها

۶ تمرین‌هائی که مستلزم فکر می‌باشند مانند «به فارسی بنویسید» (ترجمه از انگلیسی به فارسی)، «جمله بسازید»، «واژهٔ درست را انتخاب کنید» و یا «جاهای خالی را پر کنید» مخصوص کار در منزل است. البته معلّم باید قبلاً روش حل تمرین را به زبان‌آموز بگوید. بعضی از این‌گونه تمرین‌ها را که نیازمند فکر کمتری هستند می‌توان به طور جمعی در کلاس حل کرد. جواب این تمرین‌ها در پایان کتاب زیر عنوان «کلید تمرین‌ها» آمده است ولی زبان‌آموز باید فقط بعد از حل تمرین و به منظور ارزیابی جوابهای خود به آن مراجعه نماید.

۷ تمرین‌هائی که حاوی گفت‌وشنود هستند حتماً باید در کلاس توسّط خود زبان‌آموزان و با کمک معلّم پس از شنیده شدن از نوار اجرا شوند. گفتگوها دو نفره یا گاهی بیشتر هستند. جمله‌های این تمرین‌ها معمولاً نمونه بوده و می‌توان با جایگزین کردن واژه‌های آنها دهها جملهٔ دیگر ساخت. به عنوان مثال، تمرین ۱۷ گفت‌وشنودیست بین علی و پروین. معلّم باید خود در نقش علی جمله‌های مربوط به علی را از یک‌یک زبان‌آموزان سؤال کند و نیز همین جمله‌ها را با تغییر واژه از زبان‌آموزان بپرسد تا آنان نیز در جواب جمله‌های متفاوت بسازند. مثلاً، به جای

درس ۱
Lesson One

صِداها و اَلِفبای فارسی
Persian Sounds and Alphabet

تمرین ۱
Exercise 1

بِشنوید و تِکرار کُنید :

Listen and repeat :

a, as in «car» ا آ

b, as in «baby» ب بـ

father بابا   with با   water آب

with water با آب   fit باب

منعکس گردد.

۱۵. در پایان هر دو هفته یک آزمون مختصر کلاسی، کتبی یا شفاهی، از مطالب خوانده شده باید برگزار شود تا میزان پیشرفت زبان‌آموز به درستی ارزیابی گردد. در پایان کتاب نیز آزمون اصلی باید به عمل آید و نتیجهٔ آن در پروندهٔ زبان‌آموز ضبط شود.

۱۶. مسلماً نمی‌توان ادّعا کرد که کتاب، خالی از هرگونه نقص و عیب است، ولی می‌توان با استفاده از نظرات ارزنده و پیشنهادهای سازندهٔ مدرّسین آن که بی‌شک از دلسوزی و خیرخواهی آنان سرچشمه می‌گیرد در جهت بهبود آن کوشید. بنابراین صمیمانه استدعا دارد مسائل و مشکلات عملی را که در ارتباط با تدریس کتاب وجود دارد از طریق نمایندگی فرهنگی منعکس سازند تا در چاپهای بعدی مورد توجّه قرار گیرد.

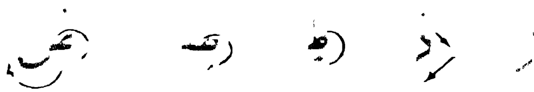
از خدای بزرگ موفقیّت آن همکار گرامی را در این خدمت فرهنگی مسئلت دارد.

مؤلف

I xercise 2 ## تمرین ۲

Listen and repeat : بِشنَوید و تِکرار کُنید :

a, as in «cat» 

z, as in «zero» 

gold زَر   of, from اَز

miserable زار   ضا   ظا   ذا   زا

greed آز   ظاء

secret راز   تاز   open, hawk باز

acquittance برائت   9th Iranian month آذر

p, as in «pepper»   ـپ   پ

باب   پاپ   with foot با پا   پا پا

t, as in «attempt» but dental   ط   ـت   ت

طاط   تات   تاب   تا   تـا   آت

your father بابات   with your foot با پات

ء[1]   ـه   ـع   ع   ـج   ج   ـ

با ء   طاء   آه   آع   آج

r, as in «rare» but slightly rolled   ر

dark تار   votes آراء   load بار   shame عار

---

1 Glottal stop, similar to the sound pronounced by the Cockney speakers for «t» in «Saturday»

zh, as in «pleasure» ژ

ژاژ اَژدَر torpedo ژاتا

ژا باژ تاژ پَژ بَژ دَژ

n, as in «none» نـ ن

آن that نان bread اِن

نار اَنار pomegranate

ناب pure ناباب unfit زَن (woman, wife)

نَدارَد (he/she) does not have نَداد (he/she) did not give

نَعناع spearmint نَزَد (he/she) did not hit

d, as in «deed» but dental

take بَردار   gallows دار   door, in دَر

faithful to a secret رازدار   juicy آبدار

wind باد   habitable آباد

pain دَرد   yellow زَرد

mode طَرز   reject طَرد

(he/she) hit زَد   multiplication ضَرب

loss, harm ضَرَر   habit عادَت

(he/she) has دارَد   flour آرد   brother بَرادَر

cloud اَبر   (he/she) gave داد

harm	آ + ز + ا + ر
tongue, language	ز + ـَـ + ب + ا + ن
devotion	اِ + ر + ا + دَ + ت
violent throw	پ + ـَـ + ر + ت + ا + ب

Exercise 3

تمرین ۳

Write as one word :

بصورت یک واژه بنویسید :

ب + ـَـ + ر + ا + د + ـَـ + ر

ض + ـَـ + ر + ـَـ + ر

wise   د + ا + ن + ا

ignorant   ن + ا + د + ا + ن

ن + ـَـ + د + ا + ر + ـَـ + د

ب + ا + ب + ا

ع + ا + د + ـَـ + ت

shining   ت + ا + ب + ا + ن

barren   ن + ا + ز + ا

rain   ب + ا + ر + ا + ن

free   آ + ز + ا + د

m, as in «mummy» م مـ

we ما — مَن

combat, fight رَزم — feast بَزم

disease مَرَض — prohibition مَنع

building عِمارَت — doctrine مَرام

respect اِحتِرام — favour مَرحَمَت

moon, month ماه — uproar هَمهَمه

letter نامه — guest مِهمان

bathroom (حَمام = حَم + م) حَمّام

Exercise 4 **تمرین ۴**

Listen and repeat : بشنوید و تکرار کنید :

e, as in «nest» ه ـه ـِ اِ

h, as in «hospital» ح حـ ـهـ ـحـ ه

clouds اَبرها every, each هَر thousand هِزار

lovely! بَه بَه to بِه refusal نَه those آنها

sigh آه shabby ژِنده fresh تازه office اداره

rein دَهَنه iron آهَن appearance ظاهِر way راه

ready, present حاضِر heat, temprerature حَرارَت

designer (طَرّاح = طَرراح) طَرّاح possessing حائِز

تمرین ۵

بصورت یک واژه بنویسید: | Write as one word

hot water with sugar	ق + ـَـ + ن + د + ا + غ
sugar-bowl	ق + ـَـ + ن + د + ا + ن
hostess	م + ـِـ + هـ + م + ا + ن + د + ا + ر
opposed	ض + ـِـ + د + د (د + د = دّ)
discipline	ن + ـِـ + ظ + ا + م
good order	ن + ـَـ + ظ + م
prison	ز + ـِـ + ن + د + ا + ن
disturbance of mind	اِ + ض + ط + ـِـ + ر + ا + ب
dragon	اَ + ژ + د + ـَـ + هـ + ا
uproar	هـ + ـَـ + م + ـَـ + هـ + ـَـ + م + ـِـ
cheap	ا + ـَـ + ر + ز + ا + ن

gh, more or less similar to the French «r» in «rue»

ق ـق غـ ـغـ ـغ غ

cube sugar قَند — reading قَرائَت

cutting قَطع — piece قِطعه

shining (بـرراق = ـ) بَرّاق

confectioner (قن ناد = ـ) قَنّاد

brain مَغز — electricity بَرق

fate قَضا — food غَذا

request تَقاضا — hot داغ

درس ۲

صداها و الفبای فارسی

تمرین ۶

بشنوید و تکرار کنید:

اُ ـُ و O, as in the French word «mode»

وِ V, as in «vast»

دُو two اُتاق room هُنَر art تو thou

نُه nine دَوا medicine واژه word

returning — ا + ـِـ + عـ + ا + د + ـِـ

point of death — أ + ـِـ + ح + ـِـ + ت + ـِـ + ض + ا + ر

particle — ذ + ـَـ + ر + ر + ـِـ

quantity — م + ـِـ + ق + د + ا + رِ

S, as in «safe» ث ثـ ص صـ س سـ

needle سَوزَن — friend دوست

spoiled لوس — face صورَت

greed حِرص — one third ثُلث

furniture اَثاث — spiritual reward ثَواب

sh, as in «shame» ش شـ

rebellion شورِش — salty شور

wicked شَرور

F, as in «fat» ف ف

eruption فَوَران horizon اُفُق snow بَرف

agreeable مُوافِق agreement مُوافِقَت

l, as in «lip» ل ل

doer, agent فاعِل verb فِعل kindness لُطف

sheet مَلافه tulip لاله dumb لال

birth تَوَلُّد (تَوَ = لـ لـ)

U, as in «pool» و و

he, she او

thunderbolt ص + ا + ع + ـِـ + ق + ـِـ

wistle س + و + ت

inheritance و + ـِـ + ر + ا + ث + ـَـ + ت

peace, compromise ص + ـُـ + ل + ح

wealth ث + ـَـ + ر + و + ـَـ + ت

نمرین ۷

بصورت یک واژه بنویسید :

Write as one word·

	ف + ا + ع + ـِـ + ل
easy	س + ـَـ + هـ + ل
offspring, result	ث + ـَـ + م + ـَـ + ر + ـِـ
constant, steady	ث + ا + ب + ـِـ + ت
cough	س + ـُـ + ر + ف + ـِـ
professor, master	اُ + س + ت + ا + د
witness	ش + ا + هـ + ـِـ + د
pious foundation	و + ـَـ + ق + ف
object of verb	م + ـَـ + ف + ع + و + ل
mice	م + و + ش + هـ + ا
ninteen	ن + و + ز + د + ـَـ + ه

g, as in «egg» ـگ گـ

warm گَرم — cow گاو

walnut گِردو — pit گُودال

neck گَرْدَن — deep گُود

cat گُربه — wolf گُرگ

dog سَگ

تمرین ۸

بشنوید و تکرار کنید.

UW, as in «no»

اُوقات times

رِوغَن oil, grease

اُوضاع state, affairs

دور far away

دور cycle, turn

شور consultation

مو vine

نو new

K, as in «cake»

ک ـکـ

کودَن dull

کوک wound up

کار work, job

کُرک soft wool

کور blind

کوکَب star

کِرم worm

کاغَذ paper

Ch, as in cheese

mushroom قارچ   helpless بیچاره   thing چیز

nothing هیچ چیز   screw, twist پیچ

ey, as in pay

Kh, as in scotish word «loch»

animal حیوان   field, square میدان   portico ایوان

mean, humble خوار   thorn خار   cane, reed نی

nail میخ   relative خویش   ploughshare خیش

soaked خیس   much, a lot خیلی   سوراخ

تمرین ۹

بشنوید و تکرار کنید:

I, as in «sheep»

Y, as in «yes»

tray سینی — milk, lion, tap شیر — this این

namely یعنی — assistance یاری — one یک

objection ایراد — try, effort سعی

freedom آزاد

J, as in «jet»

cry جیغ — answer جواب — creation ایجاد

sock, stocking جوراب — pocket جیب

judge	ق + ا + ض + ى
correct, true	ص + ـَـ + ح + ـيـ + ح
no	ن + ـَـ + خ + ـِـ + ـيـ + ر
good	خ + و + ب
young	ج + ـَـ + و + ا + ن
preaching	م + ـُـو + ع + ـِـ + ظ + ـِـ
occasion, time	م + ـُـو + ق + ـِـ + ع
descriptions	اُو + ص + ا + ف
new-born child	ن + ـُـو + ز + ا + د
box	ص + ـَـ + ن + د + و + ق
festival	ع + ـِـيـ + د

تمرین ۱۰

بصورت یک واژه بنویسید :

they	ایـ + ش + ا + ن
you	ش + ـُـ + م + ا
complaint	ش + ـِـ + ک + ا + ی + ـَـ + ت
lane, alley	ک + و + چ + ـِـ
street	خ + یـ + ا + ب + ا + ن
help, aid	ک + ـُـ + م + ـَـ + ک
dirty	ک + ـَـ + ث + یـ + ف
lamp	چ + ـِـ + ر + ا + غ
I wish	ایـ + ک + ا + ش
flower	گ + ـُـ + ل
walking	گ + ـَـ + ر + د + ـِـ + ش

تمرین ۱۲

با حُروف فارسی بنویسید :

write in persian letters :

dreamy	hospital
land	saucepan
beautiful	zigzag
predicate	utterance
yellow	butcher
payment	shamelessly
ca'avan	invisable
guarantee	agreculture
holidy	large
measure	vivid
movement	gentleman
pleasure	prospect
stupidity	

تمرین ۱۱

با حُروف فارسی بنویسید :

write in Persian letters :

difficult *sakht*

sweet *shirin*

desert *biâbân*

son, boy *pesar*

daughter, girl *dokhtar*

man *mard*

house *khâne*

book *ketâb*

big, great *bozorg*

here *injâ*

there *ânjâ*

today *emruz*

yesterday *diruz*

ruffled *zhulide*

tonight *emshab*

last night *dishab*

hungry *gorosne*

again *dobâre*

window *panjere*

pretty *ghashang*

cool *khonak*

small *kuchak*

slowly *âheste*

always *hamishe*

mother *mâdar*

pencil *medâd*

light *rowshan*

glasses *evnak*

ترتیب الفبائی فارسی

هَمخوانها

Consonants

نام صدا	تلفّظ صدا	نشانهٔ خطی صدا			
		شکل چاپی		شکل دست‌نویس	
بِ	b	ب	بـ	ب	بـ
پِ	p	پ	پـ	پ	پـ
تِ	t	ت	تـ	ت	تـ
ثِ	s	ث	ثـ	ث	ثـ
جیم	j	ج	جـ	ج	جـ
چِ	ch	چ	چـ	چ	چـ
حِ	h	ح	حـ	ح	حـ
خِ	kh	خو خ	خـ	خو خ	خـ
دال	d	د	د	د	د
ذال	z	ذ	ذ	ذ	ذ

ترتیب الفبائی فارسی

Persian Alphabetic Order

واکه‌ها

Vowels

نام صدا Name of sound	تلفّظ صدا Pronunciation of the sound	نشانهٔ خطی صدا Written symbol of the sound	
		شکل چاپی printing form	شکل دست‌نویس Hand-written form
اَلِف	â	آ ا	آ ا
زِبَر، فتحه	a	اَ ـَـ	اَ ـَـ
زیر، کَسره	e	اِ ـِـ ـه ه	اِ ـِـ ـه ه
پیش، ضَمّه	o	اُ ـُـ و	اُ ـُـ و
واو	u	او و	او و
واو	ow	اُو ـُـو	اُو ـُـو
یِ	i	ایـ ـیـ ی	ایـ ـیـ ی
یِ	ey	اِیـ ـِـیـ ـِـی	اِیـ ـِـیـ ـِـی

نشانهٔ خطی صدا		تلفّظ صدا	نام صدا
شکل دست‌نویس	شکل چاپی		
فـ ف	فـ ف	f	فِ
قـ ق	قـ ق	gh	قاف
کـ ک	کـ ک	k	کاف
گـ گ	گـ گ	g	گاف
لـ ل	لـ ل	l	لام
مـ م	مـ م	m	میم
نـ ن	نـ ن	n	نون
و و	و و	v	واو
هـ ـهـ ـه ه	هـ ـهـ ـه ه	h	هِ
یـ ی	یـ ی	y	یِ

نشانهٔ خطی صدا		تلفظ صدا	نام صدا
شکل دست‌نویس	شکل چاپی		
ر ر	ر ر	r	رِ
ز ز	ز ز	z	زِ
ژ ژ	ژ ژ	zh	ژِ
سـ س	سـ س	s	سین
شـ ش	شـ ش	sh	شین
صـ ص	صـ ص	s	صاد
ضـ ض	ضـ ض	z	ضاد
ط ط	ط ط	t	طا
ظ ظ	ظ ظ	z	ظا
عـ ـعـ ـع ع	عـ ـعـ ـع ع	vowel sound	عِین
غـ ـغـ ـغ غ	غـ ـغـ ـغ غ	gh	غِین

year	سال
today	اِمروز
tonight	اِمشَب
this year	اِمسال
yesterday	دیروز
last night	دیشَب
last year	پارسال
table	میز
chair	صَندَلی
book	کِتاب
notebook	دَفتَر
paper	کاغَذ
pen	قَلَم
pencil	مِداد
one, a	یِک [یه]
two	دُو
three	سه
four	چَهار [چار]

درس ۳

بخش ۱
Part I

Vocabulary	واژگان
that, it	آن [اون][1]
this	این
he, she	او [اون]
place	جا
there	آنجا [اونجا]
here	اینجا
where?	کُجا؟
day	روز
night	شَب

1 – Many words and sentences have a spoken form rather different from their written form From now on you will see the spoken form in [ ]

house, home	خانه [خونه]
house	مَنزِل
room	اُتاق
hour, watch, clock, time	ساعَت
a female name	ژاله
a female name	پَروین
a male name	ناصِر
a male name	عَلی
(he, she) has	دارَد [داره].
is	اَست / ست [س/ ـِ (= ـه / ه)]
are	هَستَند [هَستَن / ـَ ن]
come	بیا
go	بُرو
now	حالا
and	وَ [اُ = ا ٥ ا
yes	بَله
what?	چه
what?	چی

five	پَنج
six	شِش [شیش]
seven	هَفت [هَف]
eight	هَشت [هَش]
nine	نُه
ten	دَه
man	مِرد
woman	زَن
sir, gentleman	آقا
madam, lady	خانُم
father	پِدَر
mother	مادَر
son, boy	پِسَر
daughter, girl	دُختَر
child	بَچّه (ّ = بَچ چه)[1]
sister	خواهَر (= خاهَر)
brother	بَرادَر

1 – The sign « ّ » above a letter indicates a prolonged articulation of the sound involved

سه مِداد

یِک شَب [یه شَب]

هَفت شَب [هَف شَب]

این دُو مَرد — these two men

آن سه مِداد [اون سه مِداد]

روز و شَب — day and night

سه روز و چَهار [چار] شَب

این سه روز و چهار شب

این دو پِسَر وَ آن سه دُختَر

بیا اینجا

بُرو آنجا [اونجا]

این چیست [چیه]؟

ساعت هَفت است [هَفته] — (It) is seven o'clock

چیست (= چی است) [چیه] ؟ — what is?

کی ؟ — who?

کیست (= کی است) [کیه] ؟ — who is?

تمرین ۱۳

بشنوید و تکرار کنید .

.۱

این مَرد — this man

این آقا

این میز

آن خانه [اون خونه]

آن زَن

آن خانُم

یِک مرد [یه مَرد] — one man

دُو مَرد[1]

دَه مَرد

یِک مِداد [یه مِداد]

1 – The noun following the cardinal numbers must be in the singular form. For the other categories of the numbers, see book 2

بخش ۲

Part II

تمرین ۱۵

شنوید و تکرار کنید:

۲.

This is

این است

is this

[اینه][1]

is this

This is a table

این یِک میز است.

is table a this

[این یه میزه]

is table a this

1 ه / ـه (e) is suffixed to words ending in a consonant or the vowel i

تمرین ۱۴

write in Farsi and repeat :

بفارسی بنویسید و تکرار کنید:

1 That room

2 This book

3 This father

4 That mother

5 This child

6 That sister

7 That brother

8 This clock

9 This lady and this gentleman

10 Man and woman

11 That man and this woman

12 Three chairs

13 One chair

14 Seven books and eight pens

15 One book and one pen

16 These two children

17 Those nine tables

18 This table and those ten pencils

19 Father and son

20 This mother and daughter

21 That sister and brother

22 Five brothers and four sisters

23 One day and night

24 That one room

25 Those ten rooms

26 Eight hours

Jaleh is there

ژاله آنجا ست.

is there Jaleh

[ژاله اونجاس]

Is Jaleh there?

ژاله آنجاست؟

بَله، او آنجا ست [اونجاس]

is there she yes

What is that?

آن چیست؟

[اون چیه؟]

Who is this woman?

این زَن کیست؟

[این زَن کیه؟]

That is a chair

آن یِک صَندَلی است.

[اون یه صَندَلیه]

is chair a that

He is a gentleman

او یِک آقاست (= است)

[او/ اون یه آقـــا س][1]

is gentleman a he

آن یک خانه است.

[اون یه خونَس][2]

is house a that

Ali is here

علی اینجاست [سِ]

is here Ali

Where is he?

او کُجاســـت [س]؟

is where he

---

1 س (s) is suffixed to words ending in a vowel

2 when the final vowel of the word is e, it changes into the vowel a and then takes س (s)

17 Where is she now?

18 Come here tonight

19 Go home now

20 It is four o'clock

21 Jaleh has three watches

تمرین ۱۶

Write in Farsi and repeat :　　　　به فارسی بنویسید و تکرار کنید.

1 Who is that man?

2 This lady has three children

3 Where is she today?

4 He is there tonight

5 There are six books and eight notebooks here

6 Where are those nine men and ten women?

7 That gentleman has five brothers and one sister

8 Who are this man and that woman?

9 This house has four rooms

10 Those two tables and ten chairs are there

11 Has Ali (any) son?

12 Yes, he has two sons

13 This man is Ali and that lady is Parvin

14 Who are these six women?

15 Where is Nader?

16 He is here

پروین: چار پِسَر و هَف دُختَر.

علی: نادِر اِمشَب کُجاس؟

پروین: او اِمشَب اینجاس.

علی: حالا اون دو خواهر و سه بَرادر کجا هستن؟

پروین: اون دو دُختر و سه پِسَر حالا اینجان.

علی: نادِر بَچّه داره؟ Has Nader (any) children?

پروین: بله، او یه بچّه داره.

علی: اون بچّه، پسره یا دختر؟ Is that child (a) boy or (a) girl?

پروین: بچّه، دختره.

علی: اون مادر و بچّه امروز کُجان؟

پروین: خُونه هَستَن.]

تمرین ۱۷ گُفت و شُنود

Dialogue

شنوید و تکرار کنید:

عَلی: [این چیه؟

پَروین: این یه قَلَمه.

علی: اون چیه؟.

پروین: اون یه مَرده.

علی. اون آقا کیه؟

پروین: اون آقا، نادِره

علی: این خانم و اون آقا کی هستَن؟ /کیَن؟

پروین: راله وَ نادِر

علی: راله دُختر داره؟ Has Jaleh (any) daughter?

پروین: بله، او یه دختر داره.

علی: اینجا کُجاس؟

پروین: اینجا اِصفَهانه

علی: اونجا چیه؟

پروین: اونجا یه میز و سیتش صندلیه.

علی: کی اونجاس؟

new	نُو
big, large, great	بُزُرگ
small	کوچَک [کوچیک]
tiny, very small	ریز
cold	سَرد
cool	خُنَک
warm	گَرم
hot	داغ
thirsty	تِشنه
hungry	گُرُسنه [گُشنه]
white	سِفید
black	سیاه
yellow	زَرد
green	سَبز
sweet	شیرین
sour	تُرش
apple	سیب
grape	اَنگور

درس ۴

بَخش ۱

واژگان

خوب	good, nice, well
بَد	bad
زیبا	beautiful
قَشَنگ	pretty, nice, beautiful
زِشت	ugly, nasty
تَمیز	clean, tidy
کَثیف	dirty
کُهنه	old
پیر	old
دانا	wise
جَوان [جَوون]	young, youth

the day before yesterday	پَريروز
slowly, gently	يَواش
slowly, gently	آهِسته
fast, quick, quickly	تُند
all	هَمه
all of	هَمهٔ (= هَمه‌یِ)
all of	تمامِ
always, all the time	هَميشه
when?	كِي؟
which?	كُدام [كُدوم]؟
how?	چطور؟
again	دُوباره
(he, she, it) was	بود
(they) were	بودَند [بودَن]
(he, she, it) went	رَفت
(they) went	رَفتَند [رَفتَن]
(he, she, it) came	آمَد [اومَد]
(they) came	آمَدَند [اومَدَن]

lemon	لیمو
thing	چیز
door	دَر
window	پَنجِره
wall	دیوار
open	باز [واز]
closed, shut	بَسته
water	آب
weather, air	هَوا
horse	اَسب
dog	سَگ
cat	گُربه
week	هَفته
month, moon	ماه
minute	دَقیقه [دَیقه]
second	ثانیه
tomorrow	فَردا
the day after tomorrow	پَس‌فَردا

تمرین ۱۸

بشنوید و تکرار کنید:

گُربه‌ای اینجاست[1] [س]

یک اَسب آنجا بود.

[یه اَسبی اونجا بود]

دیروز یک خانُم آمد اینجا.

[دیروز یه خانُمی اومد اینجا]

یک [یه] سَگ هَمیشه آنجاست [اونجاس].

یک هَفته هَفت روز است.

[یه هفته هَف روزه.]

دَری باز بود.

[یه دری واز بود.]

چیزی.

[یه چیز]

[یه چیزی]

---

1 The verb usually comes at the end of the sentence

۳. مَعرِفه وَ نَکَره

Indefinite **definite**

معرفه + { ـ ی | یِک [یه] ـ | یِک .... ی } ← نکره[۲]

a man	مَرد + ی ← مَردی
a man	یِک [یه] + مرد ← یِک [یه] مَرد
a man	یک [یه] + مَرد + ی ← یک [یه] مَردی

---

1 The definite is usually without any symbol 2 The indefinite is expressed in three ways a) by adding an - i to the end of the noun, b) by putting the word *yek* one, a" before the definite noun, c) by using both *yek* and - i The latter is the most common spoken form

some books	[یه کتابایی]
the things	چیزها
some things	[یه چیزایی]
	آن بَچّه (= بچچه)
	هَفت بَچّه
	آن هَفت بَچّه
	بَچّه‌ها
	بَچّه‌هایی
	آن [اون] بچّه‌ها آمدند [اومَدن]
Everybody (= all) went	هَمه رَفتَند [رفتن]
All of them went	هَمهٔ (= یِ) آنها رَفتَند.
	تَمامِ بچّه‌ها رفتند.
all the night	هَمهٔ شب
all the night	تَمامِ شب
all nights	هَمهٔ شبها
all nights	تَمامِ شبها
	این پنج پِسَر دُوباره آمدند [اومَدن]
When did these ladies come here?	این خانُمها کِی اینجا آمدند؟

مُفرَد وَ جَمع

plural singular

مفرد + «ها» [ا] ← جمع

مرد + ها ← مَردها	men
اَسب + ها ← اَسبها	horses
[اَسب + ا ← اَسبا]	horses

تمرین ۱۹

شنوید و تکرار کنید:

آنها [اونا]	those, they
پِدَرها [پدرا]	the fathers
پِدَرهایی (= ی)	some fathers
[پدرایی]	some fathers
کِتابها [کِتابا]	the books
کتابهایی [کتابایی]	some books

۵. اِسم وَ صِفَت[1]

noun adjective

اِسم + { ـِ / یِ } + صِفَت

مَرد + ـِ + گُرُسنه ← مَردِ گُرُسنه the hungry man

هَوا + یِ + خوب ← هوایِ خوب good weather

تمرین ۲۱

شنوید و تکرار کنید.

دخترِ زیبا

مَردِ جَوان

1 The adjective usually follows the noun It is joined to the qualified noun by an – e (or – ye when the word ends in a vowel other than i) to the end of the noun

بخش ۲

تمرین ۲۰

به فارسی بنویسید:

1 The door was closed

2 A door was shut

3 All doors were closed.

4 All these doors were closed

5 Some doors were shut

6 A man was here yesterday

7 All men were always there

8 Some men were here the day before yesterday

9 All children came

10 Those three ladies went the day before yesterday and came (back) yesterday

11 When did that boy come here?

تمرین ۲۲

بشنوید و بنویسید :

هَوایِ گَرم.

پَریروز هَوا گَرم بود.

اَسبِ سفید.

این اسبها سفید هَستَند.

سیبهایِ سبز تُرش هَستَند.

اَنگورِ زَرد شیرین اَست.

آن پِدَرِ پیر سه پِسَرِ جَوان دارَد.

این مادَرِ حوان دو بچّهٔ کوچکِ تمیز دارَد.

آن زَنهایِ پیر آهِسته رَفتَند. Those old women went slowly

اینجا هَمیشه هَوا سَرد اَست.

آن چیزهای خوب کُجا هَستَند؟

[اون مردِ گُشنه کِی اومد؟]

هَوایِ سَرد

لیمویِ تُرش

پَنجِرهٔ (= یِ) باز

خانهٔ (= یِ) بُزُرگ

چیزِ خوب

bad things — چیزهایِ بَد[۱]

مرد هایِ زشت

some big houses — خانه‌هایِ بُزُرگی

which beautiful girl? — کُدام [کُدوم] دخترِ زیبا؟

which big houses? — کُدام [کُدوم] خانه‌هایِ [حونه‌هایِ] بُزُرگ؟

these two closed windows — این دُو پَنجِرهٔ (= یِ) بَسته

that pretty white cat — آن گُربهٔ سِفیدِ قَشَنگ[۲]

this old and dirty door — این دَرِ کثیف و کُهنه

---

1 Plural nouns always take singular adjectives

2 Adjectives can follow each other by either – e joined to the preceding one or va, o 'and' between the two

۲ ـ ۶ {چه / عَجَب} + {صِفت / فِعل verb} how !

چه + بَد — چه بَد! how bad (it is)!

عَجَب + تُرشه — عَجَب تُرشه! how sour it is!

تمرین ۲۴

شنوید و تکرار کنید:

چه خوب!	How nice!
چه زیباست!	How beatiful it is!
عَجَب خوبه!	How nice it is!
چه خوبه!	How nice it is!
چه بَده!	How bad it is!
عَجَب تُند رَفت!	How fast she went!
[چه یَواش اومَد!]	How slowly he, she, it came!

چه سَرده!

این سیب عَجَب تُرشه!

[اون مردِ پیر عَجَب گُشنه س!]

هوا عَجَب گَرمه!

این آب چه کَثیف و داغه!

۶. تَعَجُّب[۱] Surprise

۱ ــ ۶ { چه / عَجَب } + اسم... + ی ! ! What a

چه + شَب + ی ⟵ چه شَبی! What a night!

عَجَب + شَب + ی ⟵ عَجَب شَبی! What a night!

تمرین ۲۳

بشنوید و تکرار کنید:

چه روزی! What a day!

عَجَب روزی! What a day!

چه روزِ خوبی! What a nice day!

بَه‌بَه عَجَب روزِ خوبی! How nice! What a nice day!

بَه‌بَه چه خانهٔ (= یِ) تمیزِ زیبایی! How nice! What a beautiful clean house!

چه پنجرهٔ زشت و کُهنه‌ای (= ی)! What an old and ugly window!

عَجَب شَبِ سَردیست [سَردیه]! What a cold night it is!

چه مُعَلِّمِ خوبی!

چه خانه‌هائی! What houses!

چه لیموهایِ شیرینی! What sweet lemons!

---

1 Surprise is expressed by the word *che* 'what' before nouns, adjectives, adverbs and verbs and an ! after them. When the surprise is great and intensive, the word *ajab* 'wonder' is used.

تمرین ۲۶

جمله بسازید: Make sentences.

۱. سیاه ، گُربهٔ ، آنجا ، است.

۲. این ، گَرم ، آب ، است.

۳. اَست ، او ، تِشنه ، وَ ، گُرُسنه.

۴. آن ، زَرد ، سَگ ، بَچّه ، پَنج ، دارَد.

۵. خانُم ، این، جوان، پِسَر ، دارد، یِک.

۶. تُرش ، بَد ، است، اَنگور.

۷. کُهنه ، پَنجِره ، وَ ، است ، کَثیف.

۸. اِینجا، بِنِشین[1] ، وَ ، بیا.

۹. کَثیف ، دیوارِ ، است ، زِشت.

۱۰. مَردِ ، پیر ، وَ ، تَمیزی ، بود ، اینجا.

---

1 Sit down

۷. چه[1] + اسم... + ی؟

چه + پول + ی ← چه پولی؟ What money?

چه + کِتاب + ی ← چه کِتابی؟ What book?

تمرین ۲۵

بشنوید و تکرار کنید.

چه روزی؟	What day?
چه روزی!	What a day!
چه کتابِ کُهنه‌ای؟	What old book?
چه کتابِ کهنه‌ای!	What an old book!
چه کاغَذهایی؟ [چه کاغذایی؟]	What papers?
[چه کاغذایی!]	What papers!
چه قَلَمهایِ سیاهی؟ [چه قَلَمایِ سیاهی؟]	What black pens?
چه کَسی[2] آنجاست؟ [چه کَسی اونجاس؟]	What person is there?
چه کَسی دیروز اینجا بود؟	What person was here yesterday?
چه چیزهایِ قشَنگی اینجاست!	What pretty things are here!

---

1 چه is only a question word when it is stressed. In this case, the structure has no implication of surprise. 2 kas = person

ن: اون زنِ پیر گُرُسنَه س؟

پ: بله، خِیلی گُشنَه س.

ن: دَرِ بُزُرگ بازه.

پ: دَرِ کوچیک هَم[1] وازه.

ن: این سیبایِ سَبز هَمه تُرشَن

پ: اَنگورام (= انگورها هَم) تُرسَن

ن: ساعَت چَندِه[2]؟

پ: هَفت و یازده[3] دَیقه

ن: خُداحافِظ[4].

پ: خُداحافِظ]

1 too, also 2 What is the time? 3 eleven, 4 bye bye good bye

گفت و شنود

تمرین ۲۷

شنوید و تکرار کنید:

ناصِر[1]: سَلام[2].

پَروین[3]: سَلام.

ناصر: اِمروز هَوا چِطوره؟

پروین: یه کَمی[4] سَرده.

ن: هَوایِ سَرد خوبه؟

پ: نه زیاد[5]

ن: پریروز هوا چطور بود؟

پ: خیلی[6] گَرم بود

ن: اون پَنجره بازه؟

پ: نَه[7]، بَسته س.

ن: اون زنهایِ جَوون کِی رَفتَن خونه؟

پ: اونا پَریروز اینجا بودَن وَلی[8] دیروز همه رفتن.

---

1 A male name 2 hello 3 A female name 4 a little 5 not much 6 very, much 7 no 8 but

friend	دوست
wife	زَن، خانُم
husband	شُوهَر
name	اِسم
teacher	مُعَلِّم
professor	اُستاد
student, pupil	شاگِرد
university student	دانِشجو
elementary school	دَبِستان
secondary school	دَبیرِستان
university	دانِشگاه
tea	چای [چایی]
cube sugar	قَند
sugar	شِکَر
milk	شیر
coffee	قَهوه
bread	نان [نون]
cheese	پَنیر

درس ۵

بَخش ۱

واژگان

سَر	head
مو	hair
اَبرو	eyebrow
چَشم [چِشم]	eye
لَب	lip
صورَت	face
گوش	ear
دَست	hand
پا	foot ,leg
پوست	skin

bitter	تَلخ
right	راست
left	چَپ
colour	رَنگ
red	قِرمِز، سُرخ
blue	آبی
brown	قَهوه‌یی
animal	حِیوان [حِیوون]
ass, donkey	خَر، اُلاغ
cow	گاو
calf	گوساله
sheep	گوسفَند
meat, flesh	گوشت
city	شَهر
country	کِشوَر
eleven	یازدَه
twelve	دَوازدَه
thirteen	سیزدَه

butter	کَره
yoghurt	ماست
date (palm)	خُرما
fruit	میوه
cherry	گیلاس
pear	گُلابی
peach	هُلو
orange	پُرتِقال
tangerine	نارِنگی
garden	باغ
tree	دِرَخت
unripe	کال، نارَس
condition (of health) present	حال
fat	چاق
thin	لاغَر
light	سَبُک
heavy	سَنگین
salty	شور

۸. پَسوندهایِ «بودن» «to - be» Endings

مَن ⟵⟶ ـَ م[1]
am

تو[2] ⟵⟶ ـ ی
you (sing.) are

او [اون] ⟵⟶ ـ ست [ه]
he/ she, he/ she/ it is

ما ⟵⟶ ـیم
we are

شُما ⟵⟶ ـ ید [ـ ین]
you are

ایشان [ایشون]، آنها [اونا] ⟵⟶ ـَ ند [ـَ ن]
they, they/ those are

تمرین ۲۸

شنوید و تکرار کنید:

مَن + ـَ م ⟵ مَنَم	I am
تُو + ـ ی ⟵ تویی	You (sing.) are
او + ـ ست (= اَست) ⟵ اوست	He/ she is
[اون + ـِ ⟵ اونه]	He/ she/ it is

---

1. You have noticed that (he, she, it) is is expressed by the addition of - e/ st to the words other than the verbs. The rest of the series e. g. (I) am, (you) are, etc. can be expressed in the same way but by different suffixes as the above. 2. The second person singular is only used in speaking to the inferior, intimate friends, or members of the family.

fourteen	چهاردَه [چاردَه]
fifteen	پانزدَه [پونزدَه]
sixteen	شانزدَه [شونزدَه]
seventeen	هِفدَه [هیودَه]
eighteen	هِجدَه [هیردَه]
nineteen	نوزدَه
twenty	بیست [بیس]
still, yet	هَنوز
below, underneath	زیر
top, surface	رو

(he/she/it) is well	حوب + ــَـ ست (= اَست) ← خوبَست
(he/she/it) is well	[حوب + ــِـ ← خوبه]
He/she is well	او خوبَست
He/she/it is well	[اون خوب + ــِـ ← اون خوبه]
(we) are well	خوب + یم ← خوبیُم
We are well	ما خوبیم
(you) are well	خوب + ید ← خوبید
(you) are well	[خوب + ــ ین ← خوبین]
You are well	شُما خوبید [خوبین]
(they) are well	خوب + ــَـ ند ← خوبَند
They are well	ایشان خوبَند
They are well	[ایشون خوب + ــَـ ن ← خوبَن]
They are well	[اونا خوبَن]

We are	ما + ـــ یم ← ماییم
You are	شُما + ـــ ید ← شُمایید
You are	[شُما + ـــ ین ← شمایین]
They are	ایشان + ـَــ ند ← ایشانَند
	[ایشون + ـَــ ن ← ایشونَن]
They are	آنها + ـَــ ند ← آنهایَند
They are	[اونا + ـــ ن ← اونان]

تمرین ۲۹

بشنوید و تکرار کنید:

(I) am well	خوب + ـَـ م ← خوبَم
I am well	مَن خوبَم[1]
(you) are well	خوب + ی ← خوبی
You are well	تُو خوبی

---

[1] he Personal Pronouns can be used with their corresponding suffixes to emphasize the iect

بخش ۲

اِضافه[1] Genetive

$$\text{اسم} + \left\{ \text{ـِ} , \text{ـیِ} \right\} + \text{اسم / ضمیر (pronoun)}$$

چشمِ پدر	father's eye
گوشِ او	his ear
ابروی شما[2]	your eyebrow
خانهٔ آقای حسن	Mr. Hasan's house

---

1 The genetive is formed by adding an -e (or -ye when the word ends in a vowel other than [illegible]) to the end of the governing noun which preceeds the governed word. This -e is similar in function to the English 'of' and 's.

2 ی (-ye) is added to the noun when it ends in a vowel.

تمرین ۳۰

به فارسی بنویسید

Write into Farsi

1 (it) is pretty

2 I am still young

3 (it) is bad

4 These clothes[1] are clean

5 That old woman is still beautiful

6 (a) dirty dress[2] is very bad

7 Where are (you)?

8 How is he?

9 [How is (it)?]

10 Which city?

11 [Which student is here?]

12 Who is ugly?

13 What is this?

14 [What is that?]

15 The fruits are all unripe

16 [Where am I now?]

17 [This old tree is still green.]

18 [The old shoes[3] are here.]

19 Where is the wise old man?

20 We are all well

21 [You (sing.) are thirsty, not hungry.]

22 [It (the air) is cool today, not cold.]

23 [You are still a little (too) fat.]

24 Where is he now?

25 She was here for eight weeks

[اون اَسبِ کیه؟]

گوشتِ گوساله	veal (= the meat of calf)
گوشتِ گاو	beef (= the meat fo cow)
رَنگِ سُرخ	red colour (= the colour of red)

رَنگِ پُوستِ برادَرِ من سیاهَست [هه]

زیرِ میز	under the table (= under of table)
رویِ کاغذ	on the paper (= on top of paper)

تمرین ۳۱

شنوید و تکرار کنید:

دَستِ مادَر	mother's hand (= the hand of mother)
دو پایِ مَن	my two feet (= the two feet of me)
موی پَروین	
گُلابیِ دوستِ شُما	your friend's pear
قَهوهٔ (= یِ) تُرکیه[1]	
خانُمِ حَسَنی	Miss / Mrs Hassani
آقایِ شاکِری	Mr Shakeri
کِشوَرِ ایران	the country of Iran
شهرِ شیراز[2]	
شوهَرِ ایران[3]	
زَنِ فَرهاد[4]	
بَرگِ سبزِ دِرَخت	
اَسبِ کی؟	whose horse?

1 Turkey
2 A city in the south of Iran
3 A female name
4 A male name

17 Esfahan is a beautiful big city

18 Milk is white but coffee is brown

19 Who are those thin women ?

20 Those fat men were here yesterday

21 (the) small garden

22 (the) walls of my friend's big garden

23 The yellow cherries are very small (= tiny)

24 These sixteen peach trees (= the trees of peach)

25 (the) weather (= air) of Tabriz city (= city of Tabriz) is always cold

26 Her sister's blue dress is still new, but your (sing.) wife's red dress is old

27 Twelve students and seventeen university students

28 This is a pear tree and that is an orange tree

29 There is a white horse under the tree (= a white horse is under the tree)

30 Those five books are on the table and that heavy clock is on the wall

31 A black and white cat is on the tree

32 Your left hand is on my right eye

33 The colour of their son's teacher's hair is red (= the colour of the hair of the teacher of the son of they)

تمرین ۳۲

به فارسی ترجمه کنید

Translate into Farsi

1 His wife

2 Her husband

3 My friends

4 Your (sing.) eyes

5 Your students

6 Our professor

7 Your teacher's name

8 My right hand

9 His wife's left eye (the left eye of his wife)

10 Mutton ([illegible] meat of sheep)

11 The brown dress of [illegible] is beautiful

12 My son [illegible]

13 The university of Tehran is very big

14 That green tangerine is unripe

15 Your fifteen cherries are all red

16 Donkeys are good animals (A donkey is a good animal)

آن قَهوهٔ (= یِ) تَلخ مالِ کیست؟

[اون قَهوهٔ تلخ مالِ کیه؟]

ماستِ تُرش مالِ دوستِ ماست.

[ماستِ تُرش مالِ دوست ماس]

آن میوه‌هایِ شیرین مالِ باغِ پدرِ خانُمِ شماست.

Those sweet fruits belong to the garden of your wife's father

این صَندلیهایِ قَهوه‌یی مالِ اُتاقِ آنهاست.

[این صندلیایِ قَهوه‌یی مالِ اُتاق اوناس]

تمرین ۳۳

بشنوید و تکرار کنید:

۱۰. مالِ مَن[1]	mine
مالِ تُو	yours (sing.)
مالِ او [اون]	his, hers
مالِ ما	ours
مالِ شما	yours
مالِ آنها [اونا] ایشان [ایشون]	theirs
مالِ کی؟	whose?
مالِ علی	Ali's

این مالِ من است.

[این مالِ مَنه]

آن چایِ شیرین مالِ تُوست.

[اون چایِ شیرین مالِ تُوس]

این نان و کَره مالِ اوست.

[این نون و پَنیر مالِ اونه]

1 the Property of me

بخش ۳

۱۱. ضمیرهایِ مِلکیِ پیوَسته Suffixed Possessive Pronouns

کِتاب + ـَ م[1] = کتابِ من	My book
کتاب + ـَ ت [ـِ ت] = کتابِ تو	Your (sing.) book
کتاب + ـَ س [ـِ ش] = کتابِ او	His / her book
کتاب + ـِ مان [ـِ مون] = کتابِ ما	Our book
کتاب + ـِ تان [ـِ تون] = کتابِ شما	Your book
کتاب + ـِ شان [ـِ شون] = کتابِ ایشان	Their book

---

1 The possesssive case can also be expressed by the possessive pronouns as the above. If however, we wish to emphasize the fact of ownership of something the second structure is more frequently used.
When the preceding word ends with /i, â, o, u/ a /y/ intervenes between the two vowels in the written form e.g. *mu* + *am* ⟶ *muyam*. But in the spoken form the first vowel of the suffix drops e.g. *mu* + *at* ⟶ *mut*. And when the preceding word ends in e, the e changes into a together with the omission of the initial vowel of the suffix, e.g. *khune* + *emun* ⟶ *khunamun*. But this happens only in the spoken form.

تمرین ۳۴

Put Into Farsi and repeat

به فارسی بنویسید و تکرار کنید.

1 This is mine but where is yours?

2 That big house is still theirs

3 What is hers?

4 This book was yours (sing) yesterday, but is his now

5 This country is always ours

6 All good things belong to your city

7 These yellow peaches belong to Ali's garden

8 That blue dress is Iran's

9 Mine is yours and hers is the children's

10 Whose are these very light shoes?

11 Whose tea is this?

12 Whose sister is Sima?

13 These children are ours?

14 That black chair is hers

۱۲. خُود self

خُود + ضمیرِ مِلکی / اسم[۱]

خُود + ـَم ← خودَم = خودِ من	myself
خود + ـَت [ـِت] ← خودَت = خودِ تو	yourself
خود + ـَش [ـِش] ← خودَش = خودِ او	herself / himself
خود + ـِمان [ـِمون] ← خودِمان = خودِ ما	ourselves
خود + ـِتان [ـِتون] ← خودِتان = خودِ شما	yourselves
خود + ـِشان [ـِشون] ← خودِشان = خود ایشان / آنها	themselves

1 For further emphasis of ownership the word *khod* 'self' may be used with either the separate or suffixed forms of the pronouns it may also be used with a qualifying noun

تمرین ۳۵

بشنوید و تکرار کنید

پدرَم

پدرِ من

اَبرویَت

[اَبروت]

ابرویِ تُو

بَچّه اَس

[بَچّس]

گُلابیِمان (= گلابیِ‌مان)

[گُلابیمون]

بایِمان

[بامون]

دَستهایِتان

[دَستاتون]

رادیویِشان

[رادیوشون]

دانشجویِتان

دانشجویِ جَوانِتان[1]

اَسبِ سفیدِ زیبایَم

پنجرهٔ اُتاقِمان

لباسهایِ کَثیف و کُهنه‌اَت

[لباسایِ کثیف و کُهنَت]

---

1 When the noun is accompanied by some other elements such as nouns, adjectives etc the pronoun joins the last part of the structure

The sisters themselves went	[خواهرا خودِشون رفتَن.]
my own friend (= the friend of myself)	دوستِ خودِ من
your own son	پسَرِ خودِتان
our own house	[خونهٔ خودِمون]

تمرین ۳۷

Put into Farsi

به فارسی بنویسید.

1 My pretty and good girl

2 Where are their children?

3 Where was your friend last night?

4 His foot is under the table

5 Her eleven oranges are on the table

6 [Our young son is (at) home]

7 My sister's right ear

8 Her husband's blue clothes

9 Their old father's left eye

10 The old door and window of our room

تمرین ۳۶

بشنوید و تکرار کنید:

حودِ ناصر	lasser himself
خودِ بَرادَرها	ne brothers themselves
حودِ پدرَم	ny father himself
پدرَم خودَش	ny father himself
من خودَم	myself
ما خودِمان	ve ourselves
شما خودِتان	'ou yourselves
تو حودَت بُرو	'ou yourself go
آنها خودِشان	hey themselves
پسرِ من حودَش آمد	My son himself came
حودِ او رفت.	She herself went
او حودَش رفت	She herself went
آنها خودشان هستند.	They are themselves
[اونا خودِشونَن.]	They are themselves
خواهرها خودِشان رفتَند	The sisters themselves went

تمرین ۳۸

شنوید و تکرار کنید.

ناصر: سَلامْ عَلیکُم.[1]

پروین: سلام، حالِتون چطوره؟

ن: مَمنونَم[2]، خیلی خوبم، حالِ سما چطوره؟

پ: مَنم (= من هَم)[3] خوبم، خیلی مُتشَکّرم.[4]

ن: حالِ مادرِتون چطوره؟ ایشون حالا بِهتَرَن[5]؟

پ: بَله، بِهتَرَن خُدا رو شُکر[6].

پ: بِبَخشید[7]، اون آقا و خانم کیَن؟

ن: آقایِ ایزدی[8] و خانُمِشون.

پ: دوستِ شما هستن؟

ن: بله، دوستای خوبِ من.

پ: دوستایِ خودتون یا[9] دوستای برادرِتون؟

ن: دوستایِ خودِمن.

ن: آقایِ ایزدی!، بِفَرمایید[10] اینجا.

---

1 Hallo to you 2 thank you (= I am grateful) 3 I too 4 I am thankful 5 It is a polite way to use plural pronoun and verb for a singular subject 6 thank God
7 Excuse me 8 A surname 9 or 10 A polite word for asking somebody to come, to go, to sit, to eat, to speak, etc depending on the situation

11 His wife herself came

12 Her husband himself went

13 My daughter's teacher himself was here

14 [All my sons themselves are there]

15 I myself

16 Farhad himself

17 You yourselves

18 They were themselves here yesterday

19 Where is Jaleh herself?

20 Where are they themselves?

درس ۶

بخش ۱

واژگان

گُل	flower
گُلدان [گُلدون]	vase
شِکوفه	blossom
بَرگ	leaf
یاس	jasmin
نَرگِس	narcissus
خیابان [خیابون]	street, avenue, road
کوچه	lane, alley
میدان [مِیدون]	square
راه	road, way

ن: ایشون آقایِ ایزدی، خانمِ ایزدی.

پ: خوشوَقتَم[1]، بِفَرمایین.

ایزدی: خِیلی مَمنونَم[2].

ن: ایشون خانمِ دُکتُر[3] پروینِ صَفا[4] هَستَن.

پ: بِبَخشید، شُما بچّه هم دارین؟

خانمِ ایزدی: بَله. ما سه بچّه داریم، دوپسر و یه دختر.

ن: چَند سال دارَن[5]؟

آقای ایزدی: پسرامون، یکی شون بیس سال داره و اون یکی هیوِدَه سال. دخترِمون یازدَه سالِشه[6]

پ: ببخشید، روزا کجا میرَن؟

خانمِ ایزدی. پسرِ بُزُرگمون میره دانشگاهِ تهران، پسرِ کوچکترِمون میره دبیرستانِ اِبنِ‌سینا، و دخترِمون دَبستانِ رازی.

آقای ایزدی: بِبَخشید، ساعت چَنده؟

ن: نُه و بیست دیقه

خانمِ ایزدی: خُداحافظ.

پ: خدانِگَهدا[7].

1 Nice to see you (= I am happy) 2 I am very grateful 3 doctor Dr
4 A surname 5 How old are they (= how many years have they?) 6 Our daughter is eleven (= is her eleven years) 7 Good bye

water melon	هِندِوانه [هِندونه]
banana	مُوز
rice	بِرِنج
cooking oil	رُوغَن
egg	تُخمِ‌مُرغ
cheap	اَرزان [اَرزون]
expensive	گِران [گِرون]
morning	صُبح [صُب]
tomorrow morning	فَردا صُبح
yesterday morning	ديروز صُبح
this morning	اِمروز صُبح
good morning!	صُبح بِخير
breakfast	صُبحانه
noon, midday	ظُهر
tomorrow midday	فَردا ظُهر
lunch	ناهار
evening	عَصر
tomorrow evening	فَردا عَصر

shop	مَغازه
shop	دُکّان [دُکون]
department store	فُروشگاه
butcher's shop	قَصّابی
bakery	نانوایی [نونوایی]
dairy shop	لَبَنیاتی
grocery shop	خواربار فُروشی
green-grocery shop	سَبزی فُروشی
fruitmonger	میوه فروشی
turkey	بوقَلَمون
chicken	مُرغ
fish	ماهی
onion	پیاز
potato	سیب‌زمینی
tomato	گُوجه فَرَنگی
lettuce	کاهو
cucumber	خیار
melon	خَربُزه

early, soon	زود
far, distant	دور
near	نَزدیک
long	دِراز
short	کوتاه
to buy	خَریدَن
to be	بودَن
to go	رَفتَن
to come	آمَدَن [اومَدَن]
to sit	نِشَستَن
of, from, since	اَز
till, to, as far as	تا
in, into, at	دَر
to	به
why?	چِرا؟
every	هَر
everyday	هَر روز
everybody, anybody	هَرکَس، هَرکَسی

supper	شام
delicious	لَذیذ
food	غَذا
people	مَردُم
season	فَصل
spring	بَهار
summer	تابِستان [تابِستون]
automn, fall	پاییز
winter	زِمستان [زِمستون]
money	پول
Tuman (Iranian money)	تومان [تُومَن]
Rial (Iranian money)	ریال [ریال]
Kilo	کیلو
little, few	کَم
a little	کَمی [یه کَمی]
much, many plenty	زیاد
more, greater	بیشتَر
late	دیر

این بهتَر[1] است یا آن؟ = این خوبتَر است یا آن؟

[این بهتَره یا اون؟]

پولِ کی کَمتَر است؟ مالِ من یا مالِ او؟ [پولِ کی کمتَره؟]

کُدام [کدوم] راه دِرازتَر است [درازتره] ؟ اَز تِهران تـا رَشت[2] یـا از تِهران تـا کِرمان[3] ؟

امروز حالَم بهتَر است [بهتَره].

در ایران گوشتِ گوسفَند گِرانتر از گوشتِ گاو است.

مُرغ ارزانتَر از گوشتِ گوساله است [گوسالَس].

ماهی لَذیذتر از مُرغ است [مُرغه].

خیابانِ [خیابونِ] رِی کوتاهتَر از خیابانِ اِنقِلاب است [اِنقِلابه].

آنها دیرتَر از ما آمَدند وَ زودتَر رَفتَند.

[اونا دیرتَر از ما اومَدن وَ زودتَر رَفتن].

اِمشب حالَش خیلی بهتَر است.

[اِمتسب حالِش خیلی بهتَره].

اَکبَر[4] هِجدَه تومان بیشتَر از ناهید[5] دارد.

[اکبر هیرده تومَن زیادتر از ناهید داره].

سه کیلو کاهو خیلی ارزانتَر از دو کیلو مُوز است [مُوزه].

1 *khub* "good" has two comparative forms, i e *khubtar* and *behtar* The latter is much more common 2 A city in the north of Iran 3 A city in the south of Iran 4 A male name 5 A female name

صِفَت + ـ تَر ← صفتِ بَرتَر[1]

مردِ جوان   مردِ جوانتَر

۱ ـ ۱۳. صِفَتِ بَرتَر + اَز[2]

این مرد جوانتَر اَز آن مرد است.

تمرین ۳۹

بشنوید و تکرار کنید:

سیبِ شیرین

سیبِ شیرینتَر

این سیب شیرینتَر اَز آنست [اونه].

سیبِ شیرینتَر مالِ شُماست [شُماس].

دیروز سردتَر اَز امروز بود.

شُما پیرتَر اَز همه‌اید [این].

کدام خانه بیشتَر اُتاق دارد؟

[کُدوم خونه بیشتر اُتاق داره؟]

1 The comparative adjective is formed by adding the suffix *-tar* to the adjective

2 The English "than" is expressed by **az** "of, from" which follows the adjective

تمرین ۴۰

بشنوید و تکرار کنید:

شهرِ بُزُرگ

بُزُرگتَرین شهر

تهران بُزُرگتَرین شهرِ ایرانَست.

میدانِ فِردُوسی کوچکتَرینِ میدانهایِ تهرانست.

Ferdowsi Square is the smallest of (all) squares in (= of) Tehran

اینها کوچکتَرین میدانهایِ تهرانَند

These are the smallest squares in Tehran

تمرین ۴۱

بشنوید و تکرار کنید.

دیشَب سردتَرین شبِ سال بود

تابِستان گرمتَرین فَصل است [فَصله].

حَسَن بِهتَرین[1] دانشجویِ دانشگاهِ تهرانَست [تهرانه].

بَرادرِ سما بِهتَرین دوستِ پسرِ مَن است [مَنه].

بَهار زیباترین فصلِ سالَست [ساله].

1 *khub* 'good' has two superlative forms i.e. khubtarin and behtarin. The latter is much more common

بخش ۲

۱۴ صِفَتِ بَرتَرین Superlative adjective

صِفَت + ـ تَرین ⟵ صِفتِ بَرتَرین[1]

جَوان + ترین ⟵ جوانتَرین

جوانتَرین مَرد

زیباتَرین زَن

جَوانتَرینِ مَردها

زیباتَرینِ زَنها

1 The Superlative is formed by adding – *tarin* to the adjective The superlative adjective always precedes the noun

6 Mordad is the warmest month of the summer

7 The best breakfast is egg and butter

8 [They have thirteen Rials more than you (sing)]

9 Sepah store is the biggest store in (= of) your city

10 He went earlier than everybody (= all)

۱۵. مَصدَر[۱] Infinitive

۱ ـ ۱۵ مَصدَر ـ[۲] ـَن ⟵ سِتاکِ گُذشته[۳]

past stem

خَریدَن ـ ـَن	⟵	خَرید	(He / she) bought
رَفتَن ـ ـَن	⟵	رَفت	(He / she) went
آمَدَن ـ ـَن	⟵	آمد	(He / she) came
بودَن ـ ـَن	⟵	بود	(He / she) was
نِشَستَن ـ ـَن	⟵	نِشَست	(He / she) sat

1 The Infinitive of verbs ends in either *dan* or *tan* When the – *an* is taken off the infinitive the remainder will be the Past stem (see also p 106) The past stem is equivalent to the 3rd person singular of the simple past tense 2 The sign (——) means minus 3 The verbs in Farsi have two stems or roots past and present All tenses are derived from these two stems

زیباترینِ گُلها کُدام اَست [کُدومه]؟

Which is the most beautiful of the flowers?

یاس قَشنگتَرینِ گُلهاست.

اینها قشنگتَرین شکوفه‌هایِ باغِ شما هستَند [هستَن].

مَغازهٔ (= یِ) رضا[1] نَزدیکتَرین مغازه به کوچهٔ ماست [س].

Reza's shop is the nearest one (= shop) to our alley

[بیشتَرین پول مالِ کیه؟]

Whose is the geatest money?

این، بُزُرگترین اُتاقِ خانهٔ [خونهٔ] من اَست [مَنه].

ماهی لَذیذترین غذایِ اوست [اونه].

تمرین ۴۲

به فارسی بنویسید و تکرار کنید: Put into Farsi and repeat

1 Banana is much more expensive than cucumber

2 4 kiloes (of) water-melon is cheaper than 6 kiloes (of) melon

3 Winter is much colder than automn

4 Spring is a little cooler than summer

5 [Your food is much more delicious than mine]

---

1 A male name

تمرین ۴۳

بشنوید و تکرار کنید:

دیروز سه کیلو سیب‌زمینی از سبزی‌فروشی خَریدَم.

شما دیروز صُبح دو کیلو گوشتِ گوسفند از قصّابی خریدید.

او دیروز عصر دو مرغ و سه ماهی خرید.

امروز صُبح کَمی پنیر از لبنیاتیِ نزدیکِ خانه‌مان خریدیم.

[اِمروزصُب یه کَمی پَنیر از لبنیاتیِ نزدیکِ خونَمون خریدیم.]

پَریروز صُبح [صُب] ساعَتِ یازدَه کُجا بودید [بودین]؟

آنها دیشب ساعَتِ نُه به خانهٔ مَن آمَدند.

تُو رویِ این صَندَلی نِشَستی، ولی دوستَت آنجا نِشَست.

کِی به اینجا آمدید؟ وَ کی اینجا بود؟

چرا دیر آمدید؟

[بِبَخشید. فَقَط پَنج دَیقه دیر اومَدَم.]

سِتاکِ گُذَشته + شِناسهٔ صَرفی[1] ← گُذَشته ساده

رَفت + ـَ م ← رَفتَم	(I) went
من رفتَم[2]	I went
رَفت + ـ ی ← رفتی	(you, sing.) went
تو رَفتی	You went
رَفت	(he / she) went
او رَفت	He she went
رَفت + ـ یم ← رفتیم	(we) went
ما رفتیم	We went
رفت + ید [ـ ین] ← رفتید [رفتین]	(you) went
شما رفتید [رفتین]	You went
رفت + ـَ ند [ـَ ن] ← رفتَند [رفتَن]	(they) went
ایشان [ایشون] رفتَند [رفتَن]	They went
آنها [اونا] رفتَند [رفتَن]	They went

1 The verb in Farsi is conjugated, i.e. each person of the verb has a particular ending except the 3rd person singular in the simple past, which has no ending. The conjugational endings play the role of the subject, and they differ from the to-be suffixes (see p 67) in that they are peculiar to the verb only and have no special meaning. The former endings, on the other hand, can not be used with verbs, and imply the meaning of to be. 2 The personal pronouns (see p 67) can be used with the personal endings to emphasize the subject.

27 To them

28 To you

29 To him

30 To us

31 To you (sing.)

32 From me (= from I) to you

33 From us to them

34 From you to my brother

35 Since last night

36 From ten to twelve

37 From 5 o clock (= hour of five)

to 11 o'clock

38 From the house to the store

39 Sooner or later (= late or soon)

40 [All of them were (at) home]

41 I sat on the chair near him

(= near of him)

تمرین ۴۴

به فارسی بنویسید :

You sat

I sat

He was

[They were]

[(they) bought]

[We came]

She went

He came

You (sing) bought

0 I came

1 You were here

2 (you) sat

3 He sat

4 We went

15 We were

16 They were

17 You bought

18 (we) sat

19 [They sat on the chairs]

20 I bought a water-melon

21 They came from Tabriz[1]

22 I was at home

23 Her father bought a small house last year

24 My sister went to Kerman this morning

25 It is a long way from Gilan[2] to Ahvaz[3] (= from Gilan to Ahvaz is a long way)

26 To me (= to I)

---

1 A city in the north of Iran   2 A northern province in Iran   3 A city in the south of Iran

تمرین ۴۵

بشنوید و تکرار کنید.

خَریدَن ← خَرید ← خَر

آمَدَن ← آمد ← آ

نِشَستَن ← نِشَست ← نِشین

مَن هَر روز یِک کیلو خیار از سبزی‌فروشی میخَرَم.

تو هَر ماه پنج کیلو برنج از خواربارفروشیِ بَرادَرت میخَری.

پدرِ اَفشین[1] هَر سال یِک گُلدانِ بُزُرگ میخَرَد.

[پدرِ اَفشین هَر سال یه گلدونِ بزرگ میخَره.]

ما دَر زِمِستان بیشتَر از تابِستان شِکَر وَ رُوغَن میخَریم.

شما فردا صُبح یِک خانهٔ کوچَک دَر خیابانِ رِی میخَرید.

[شما فردا صُب یه خونهٔ کوچیک تو[2] خیابونِ رِی میخَرین][3].

مَردُم در فَصلِ تابِستان میوه بیشتَر میخَرَند.

[مردم در فصل تابستون میوه بیشتر میخَرَن].

چرا مردم در فصلِ تابستان میوه بیشتر میخَرَند [میخَرَن]؟

---

1 A male name 2 A colloquial word for در meaning "in, into" 3 Note that the present tense is usually used for future in colloquial style

بخش ۳

۱۷. حالِ اِخباری Present indicative

می – + ستاکِ حال[۱] + نشانهٔ صرفی ⟵ حالِ اِخباری

present stem

رفتن ⟵ رَفت ⟵ – رَو –

می – + رَو + – َ م	⟵ میرَوَم [میرَم]	(I) go
می – + رَو + – ی	⟵ میرَوی [میری]	(you) go
می – + رو + – َ د	⟵ میرَوَد [میره]	(he, she) goes
می – + رو + – یم	⟵ میرویم [مریم]	(we) go
می – + رو + – ید – ین	⟵ میرَوید [میرین]	(you) go
می – + رو + – َ ند [– َ ن]	⟵ میرَوند [میرَن]	(they) go

1 The present stem is usually derived from the past stem by making some changes But there are some cases in which the present stem is completely different from the past stem However, to the present stem the prefix *mi* – and the conjugational endings are added and this gives the present tense The present of *budan* 'to be and *dåshtan* to have however do not take the prefix *mi* However from now onwards the infinitive and the present stem of the verbs will be given

بِهزاد[1] همیشه رویِ [رو] آن [اون] صندلی می‌نشینَد [می‌نشینه].

شما کجا می‌نشینید [می‌شینین]؟

ما زیرِ این درختِ گیلاس می‌نشینیم [می‌شینیم].

تو نزدیکِ من می‌نشینی [می‌شینی]؟

چرا تو نزدیکِ من می‌نشینی [می‌شینی]؟

آنها [اونا] دور از پنجره می‌نشینَند [می‌شینَن].

چرا شما همیشه رویِ این صندلیِ کوچَک [کوچیک] می‌نشینید [می‌شینین]؟

1 A male name

تمرین ۴۶

بشنوید و تکرار کنید:

من امشب به خانه می‌آیَم[1].

[من امشب میام خونه].

از کجا می‌آیی وَ به کجا میرَوی؟

[از کجا میای وَ کجا میری؟]

استادِ فارسی هَر روز به دانشگاه می‌آیَد [میاد].

ما هَر ماه به اینجا می‌آییم.

چرا ما هَر ماه به اینجا می‌آییم؟

[ما هر ماه میایم اینجا].

شما هر هفته به شهرِ ما می‌آیید [میایین].

آنها فردا ساعتِ هشتِ صبح به مَشهَد می‌آیَند.

[اونا فردا ساعتِ هشتِ صُب میان مشهد].

من رویِ این صندلی می‌نِشینَم.

---

1 Persian orthography does not permit of two vowels coming together without a separating consonant Thus when a suffix beginning with a vowel is to be added to a word ending in a vowel, or a prefix ending in a vowel has to be placed before a word beginning with a vowel, it is necessory to insert a *y* or a *hamze* (glottal stop) In certain cases, however, some other consonants are also used This spelling is in general reflected in pronunciation So, instead of *miâam* we write and pronounce *miyâyam*

تمرین ۴۸

به فارسی بنویسید.

1 Where will you be (= are you) tomorrow evening?

2 When will he come to our house?

3 When will they be here?

4 When are you (sing.) at home?

5 My cat sits under the table

6 When did you come from France[1]?

7 When will (= does) she come from England[2]?

8 When do you go shopping[3]?

9 Where do you sit? Near the apple tree or far from it?

10 What does your friend buy? Chicken or fish or turkey?

11 My wife bought 3 kiloes of potato and one kilo of veal

Potato was cheap but veal was very expensive

12 Why is potato much cheaper than beef?

13 Why do they go to America[4] every year?

14 Why do you come late, and go early (= soon)?

---

۱ فرانسه ۲ انگلیس ۳ خرید ۴ آمریکا

تمرین ۴۷

بنویسید و تکرار کنید

هَستَن[1] ← هَست[2] / اَست[3]

بودَن ← بود

من فردا شب تا ساعتِ نُه در خانه هَستَم.

[من فردا شب تا ساعت نُه خونه هَستَم]

تو چهار سال بُزُرگتر از من هَستی

[تو چار سال بزرگتر از مَنی]

چیزی اینجا (اونجا) هَست؟

[بله، یه چیزی اونجاس]

من و آقایِ عَسکَری[4] دوست هَستیم [دوستیم]

شما وَ خانُمِ پروین داوَری[5] خواهَر هَستید [خواهَرین]

بچّه‌هایِ آقایِ سالار[6] زیبا هَستَند [زیبان]

چرا لِباسَش کَثیف است؟

چرا بابک ساعتِ یازدهِ صبح خانه است؟

[چرا بابک ساعتِ یازدهِ صُب خونَس؟]

---

1 This infinitive, which is actually an imaginary one, has rather the meaning of 'to exist', 'there is', etc. and is never used in its own right. 2 This form, being the only exception to rule (see p. 97), is the present stem of the verb 'to be' and is equivalent to the 3rd person singular. 3 This form is only used in the 3rd. person singular. 4, 5, 6 A surname

۸ ساعتِ، دیشب، هشت، کجا، آنها، (بودن)

۹. مالِ، من، قشنگ، یا، ـــ تر، گربهٔ، شما (بودن)

۱۰. کدام، از، کشور، تُو (آمدن)

۱۱. دیروز، بهزاد، ساعت، دُو، دیر، (آمدن)

۱۲. چرا، دیر، شب، هر، تُو، خانه، به، (آمدن)

۱۳. شهر، کدام، به، حالا، تُو ، (رفتن)

۱۴. من، عصر، فردا، سینما[1] ، به، (رفتن)

تمرین ۵۰

جوابِ سُؤالهایِ زیر را در یک جُمله بنویسید:

Write a sentence in reply to the following questions

۱. بزرگترین کشورِ جَهان[2] کدامست؟

۲. نامِ[3] کشورِ شما چیست؟

۳. سردترین فصلِ سال کدامست؟

۴. فردا کجا میروید؟ (بازار[4])

۵. [رنگِ لباسِتون چیه؟] (قهوه‌ای)

۶. اسمِ بزرگترین شهرِ کشورتان چیست؟

1 Cinema 2 World 3 Name 4 Market, bazaar

15 What are you going to sit on? (= on what do you sit?)

16 How did you come as far as here?

17 I was at the school[1] till 9 o'clock in the evening (= the hour of nine of night)

18 I will buy a little of butter from your father's shop

19 Come (and) sit near me

20 I am much shorter than your elder brother

تمرین ۴۹

جمله بسازید

۱. تومان، پیاز، دو کیلو، یازده ، (هستن)
۲. شب، فردا، کجا، شما، (رفتن)
۳. کوچک، ــ تر، برادر، من، کِی، (رفتن)
۴. حسن، سرِ، دیروز، شش، کیلو، هندوانه، (خریدن)
۵. آقایِ، مغازهٔ، حَسَنی، کدام، خیابان، در (هستن)
۶. پیر، ــ ترین، دانشگاه، شیراز، استاد، کی (هستن)
۷. او، کدام، زیرِ، درخت، (نشستن)

---

۱ مدرسه

تمرین ۵۱

بشنوید و تکرار کنید:

یک گفت و شنودِ تِلِفُنی
A telephone call

احمدِ[۱] راجی[۲]: دو .. دو... هشت... یک... نه... یک... اَلُو...
منزلِ آقایِ مُهَندِس[۳] کِیوان[۴]؟

:بله، بفرمایین.

احمد: آقایِ مهندس هَستن؟

گوشی[۵]...، کیوان، تِلِفُن...

کیوان: بَنده[۶] مهندس کیوان، بفرمایین.

احمد: سلام، مهندس جان[۷]، من احمدِ راجی.

کیوان: سلا...م احمد جان، حالِتون چطُوره؟ خوبین؟

احمد: آره[۸]، خوبم، خِیلی مُتِشَکِّرم، شما چطورین؟، بچّه‌ها خوبَن؟

کیوان: مَمنونم[۹]، همه خوبن.

احمد: پسرِتون از ایتالیا[۱۰] اومد؟

کیوان: آره، پریروز ساعتِ شیشِ صُبح اومد.

---

1 A male name 2 A surname 3 Engineer 4 A surname 5 Hold on the line
6 'slave', a formal and humble expression for the pronoun I 7 A very friendly expression, equivalent in meaning to 'dear', used after the names of intimate friends, children etc
8 An informal word for 'yes', mostly used in Tehran 9 Thank you 10 Italy

۷. [اسمِ خودتون چیه؟]

۸. روزها کجا هستید وَ شبها کجا؟ (اِداره[1]، خانه)

۹. به نَظَرِ شما[2] پاییز بهتر است یا بهار؟

۱۰. به نَظَرِ شما رنگِ سفید قَشَنگتر است یا رنگِ آبی؟

۱۱. شما در تابستان میوه بیشتر میخرید یا در زمستان؟

۱۲. میوه در چه مَغازه‌ای هست؟

۱۳. از چه دکّانی نان میخرید؟

۱۴. از چه فروشگاهی برنج و رُوغن میخرید؟

۱۵. در شهر شما گوشت گرانتر است یا تخمِ‌مرغ؟

1 Office 2 In your opinion

درس ۷

واژگان

قاشُق	spoon
چَنگال	fork
کارد	knife
لیوان	glass
اِستِکان	a small glass for tea
فِنجان [فِنجون]	cup
نَعلبَکی [نَلبَکی]	saucer
قوری	teapot
بُشقاب	plate
جوراب	sock, stocking

احمد: خُب (= حوب)، جِسمِ سما رُوسَن[1]

کیوان: مُتِسکّرم خانُم سما کِی اَر هِند[2] میان؟

احمد: اونَم (= اون هَم) فردا سب ساعتِ ده میاد.

کیوان: خُب[3] (= حوب) جِسمِ سُمام (= سما هم) رُوسن. حه ساعتی میرین فُرودگاه؟

احمد. ما ساعتِ هَف میریم فُرودگاه[4]

کیوان: ما هَم میاییم وَلی یه کمی دیرتر. هواپیما[5] حه ساعتی می‌سیبه؟

احمد: ساعتِ هستِ سب حوسبَختانه[6] رود میاد

کیوان: باسه[7] ما ساعتِ نُه میاییم سما کحا می‌سینیں؟

احمد: تا آمدنِ سما ما نزدیکِ اِطّلاعات[8] می‌سیبیم.

کیوان: حوبه[9]. تا فردا سب، خُداحافظ.

احمد: قُربانِ سما[10]

1 A complementary phrase equivalent in meaning to how nice it is! congratulations etc addressed to some one who has had a passenger, dear guest new born child etc 2 India 3 Well 4 Airport 5 Aircraft 6 Fortunately 7 O K 8 Information desk 9 All right 10 A complementary expression used for good bye thank you etc

tight	تَنگ
loose, loose fitting	گُشاد
long, high	بُلَند
size	اَندازه
thirty	سی
fourty	چِهِل [چِل]
fifty	پَنجاه [پنجا]
sixty	شَصت [شَص]
seventy	هَفتاد
eighty	هَشتاد
ninety	نَوَد
hundred	صَد
thousand	هِزار
million	میلیون [مِلیون]
matter, story, subject	مُوضوع
price	قِیمَت
pair	جُفت [جُف]
half	نِصف

trousers	شَلوار
jacket	کُت
shirt	پیراهَن [پیرَن]
tie	کِراوات
hat	کُلاه
vest	زیرپوش
pants, underpants	شُورت
pyjamas	پیژامه [پیجامه]
headdress, kerchief	روسَری
Islamic headdress	مَقنَعه
veil	چادُر
skirt	دامَن
glove	دَستکِش [دَسکِش]
coat, overcoat	پالتو
handkerchief	دَستمال [دَسمال]
pocket	جیب
button	دُکمه [دُگمه]
collar	یَخه [یَقه]

twice	دُوبار / دُو دفعه
few, how many?	چَند [چَن]
few, how many?	چَندتا [چَن‌تا][1]
several, many	چَندین
how much?	چِقَدر [چِقَد]؟
in into, inside	توی [تو]
with	با
for	بَرایِ [بَرا]
only	فَقَط
to eat, to drink	خُوردَن
to give	دادَن
to see	دیدَن
to say, to tell	گُفتَن
to have	داشتَن

1 The word *chand* and also the Cardinal Numbers, other than yek, are usually followed by the particle tâ when used with tangible nouns It can not, therefore, be used with units of time, weight, money, etc This tâ, infact, helps the idea of plurality to become more concrete This structure is, however, mostly used in the colloquial style

half	نیم[1]
quarter (usually for time)	رُبع [رُب][1]
sometimes	گاهی
often, very often	اَغلَب
next, then	بَعد
after	بَعد اَز
afternoon	بَعدازظُهر
ago, before	قَبل
before	قَبل اَز
later, then	بعداً (= بَعدَن)
already	قبلاً (= قَبلَن)
usually	مَعمولاً (= معمولَن)
nearly, almost, about	تَقریباً (= تَقریبَن)
please	لُطفاً (= لُطفَن)
time	دَفعه [دَفه]
time	بار
once	یک‌دفعه /یک‌بار

---

1 Usually used for fragments of numbers, time, weight, and the like, e g *nohonim* "nine and (a) half", *hashto rob* "eight and (a) quarter", *nim kilu* " half (a) kilo", etc

تمرین ۵۲

بشنوید و تکرار کنید:

I bought the book (already referred to)	کتاب را خریدم.
I bought a book	کتابی را خریدم.
I bought book (s) (with) all my money	تَمامِ پولم را کتاب خریدم.
I saw him	او را دیدَم.
I bought their small house	خانهٔ کوچکِ آنها را خریدم.
My daughter came home with me	دخترم با من به خانه آمد.
She told me her name	اِسمش را به من گُفت.
(you) bought this headdress for your mother	این روسَری را بَرایِ مادرِتان خریدید. [این روسری‌رو بَرا مادرتون خریدین]
Where did you buy this pretty skirt from? (= from where?)	این دامَنِ قَشَنگ را از کُجا خریدی؟

۱۸. مفعولِ صَریح و مفعولِ غیرصَریح

۱ـ۱۸ اِسم /ضمیر + را [رُ] ← مفعولِ صَریح[۱]

۲ـ۱۸ حرفِ اضافه + اسم /ضمیر ← مفعولِ غیرِ صَریح[۲]

خانه + را ← خانه را

شما + را ← شما را

به + شما ← به شما

---

1 The Direct Object of a verb is usually indicated by the use of the postposition *rā* (colloquially ro), which is suffixed to the word or to the last word of a word group constituting the object The particle *rā* also gives the object a sense of definiteness if it has not already received -i, the indefinite suffix (see p 48) The direct object will have a general or generic sense when it is used without *rā*   2 The indirect object is always preceded by a preposition

شما چَند بچّه دارید؟

شما چند تا بچّه دارید؟

[شما چن‌تا بچّه دارین؟]

ما سه‌تا دختر و یک [یه] پسر داریم.

من فقط یک [یه] بچّه دارم.

شما چند جُفت جوراب دارید؟

[شما چن جُف جوراب دارین؟]

آنهاِ بیست‌وچهار[1] جفت جوراب دارَند.

[اونا بیس‌وچار جف جوراب دارَن.]

دیروز چندبار او را دیدید؟

[دیروز چن‌بار اورو دیدین؟]

فقط یک دَفعه او را دیدم.

[فقط یه‌دَفه اورو دیدم.]

---

1 Compound numerals (e g sixty three) are formed by expressing the largest numeral first and, then, adding the lesser ones with the conjunction و (pronounced «O»), e g *hezaro sado haft – ādo panj* «1175»

ستاکِ حال	ستاکِ گذشته	مصدر
خور	خورد	خُوردن
دِه	داد	دادَن
بین	دید	دیدَن
گو	گفت	گُفتَن
دار	داشت	داشتَن

تمرین ۵۳

بشنوید و تکرار کنید:

من بَعداً شما را می‌بینم.

آقا و خانمِ راجی دیشب ساعتِ هفت‌ونیم به دیدنِ ما آمدَند.

[شما اونارو اَغلَب تو فروشگاهِ نزدیکِ خونَتون می‌بینین]

اکبر همیشه یک دَستمال توی جیبِ شلوارَش دارَد.[1]

[اکبر همیشه یه دَسمال تو جیبِ شَلوارِش داره.]

See footnote 1, p. 102

۱۱. او نِصفِ غذایِ... را... مـن... دِهـ... (بــه، ــ ش، ــ د، می ــ)

۱۲. [او ... غذا... رو... من   میده] (نصفِ ــ، ــ ش، به)

تمرین ۵۵

واژهٔ دُرُست را انتخاب کنید: choose the right word

(نیم، نِصف، نِصفِ)

۱. ... پرتقال half of the orange

۲. ... ساعت half an hour

۳. دو ساعت و... two and half an hour

۴. ... مَردُم

۵. ... کتاب

۶. ... کیلو

۷. ... خانه

۸. ... شب

۹. ... پول

۱۰. صدونود و پنج و... one hundred ninty five and a half.

۱۱. ... راه

۱۲. سه‌و...

تمرین ۵۴

جاهای خالی را پر کنید:

۱. شما.. او... دیدید؟ (کِی، را)

۲. اومعمولاً... روزهایی... دیدنِ‌مادر... می‌رو...؟(به، ـــ ش،چه،ـــ د)

۳. ما فردا عصر... آقایِ... بـه... مـیرو... (صَفـا، سینما، بـا، ـــ یم)

۴. قبل... من... کسی... دید .؟ (چه، از، را، ـــ ید)

۵. من پدر... شما... چند.... قبل... اصفهان دیـد...(را، سالِ، بزرگِ، در، ـــ م)

۶. [اندازهٔ... شوهرِ... چند...؟] (یقهٔ، ـــ ه، ـــ تون)

۷. اِمـروز... و... خُـــردادِ[1] هِزار... سیصد[2]... شصت... یکِ هِجریِ شَمسی[3]... (چهارِ، و، بیست، و،است، و)

۸. ... صبح... کیلو... از... بـرادرِ ... مـیخَر ... (عَسَل، مـغازهٔ، نیم، تان، فردا، ـــ یم)

۹. امروز بعد... نـاهار... و بـرادرتان... در... دوستم... بـینـ... (شما، از، خانهٔ، را، ـــ م، می ـــ)

۱۰. ... بزرگِ شما... سال‌دار...؟ (چند، مادر، ـــ د)

1 The third month of Iranian Calender 2 Three hundred 3 Hegira solar Iranian Calender beginning with the Hegira

۱۰. ... ماه.

۱۱. [یه... بُشقاب.]

۱۲. سه... گلابی.

۱۳. ... جُفت دستکش.

۱۴. چند... سیب؟

۱۵. چهل... قلم.

۱۶. ... شِکر؟

۱۷. ... پول؟

۱۸. از تهران تا کرمان... راه است؟

How far is Tehran from Kerman? (= how much way is)

۱۹. از شیراز تا اصفهان... کیلومتر[1] است؟

۲۰. ... قاشُق و چنگال.

۲۱. ... آب؟

۲۲. ... لیوان آب.

۲۳. ... کیلو گوشت.

۲۴. [قِیمتِ این پالتُو... ه؟]

۲۵. برنج کیلویی... است؟

1 Kilometer

۱۳. سه‌کیلو و...

۱۴. ... هفت

۱۵. ... سه، یک و... است

۱۶. ... موضوع

۱۷. ... قیمت

تمرین ۵۶

وارهٔ درست را انتخاب کنید.

(چَند، چَندتا، تا، چِقدر)

۱. ... دقیقه.

۲. [یه... ساعت.] a few hours

۳. ... ساگرد؟

۴. ... تومان.

۵. ... روز؟

۶. [یه. . کیلو انار.] a few kiloes of pomegranate

۷ [یه... فنجون.]

۸. [یه .. سال]

۹. ... دَفعه.

تمرین ۵۸

واژه درست را انتخاب کنید. Cnoose the rıght word

(قَبل، قَبل از، قَبلاً)

۱. ... شام. Before supper

۲. شبِ ... The nıght before

۳. شش ماهِ ... Sıx months ago

۴. ... شما.

۵. ... نصفِ شب.

۶. هَفتهٔ ...

۷. ... به شما گُفتم. I told you already

۸. ... ساعتِ چهار.

۹. ... هَر چیز. Before everythıng

۱۰. ... رفتنِ ما. Before we go (= before our goıng)

۱۱. پنج سالِ ...

۱۲. ... به او می‌گویَم.

(بَعد، بَعد از، بَعداً)

۱۳. روز ... The next day

بخش ۲

تمرین ۵۷

بشنوید و تکرار کنید.

او گاهی قبل از من غذایش را میخورد.

تو معمولاً روزی[1] سه بار غذا میخوری.

[شما معمولاً بعد از ساعتِ دوازده ونیم ناهارِتون رو میخورین.]

آنها [اونا] معمولاً چه ساعتی شام میخورَند [میخورَن]؟

دیروز چه خوردید و حالا چه میخورید؟

[سه روزِ قبل چی خوردین؟]

هفتهٔ قبل به من چه گفتید و حالا چه میگویید؟

[هفتهٔ قبل به من چی گفتین و حالا چی میگین؟]

مُوضوع چیست [چیه][2]؟

[جَریان[3] چیه؟]

بعداً جریان را به شما میگویَم.

[بعداً موضوع‌رو به شما میگَم.]

[فقط یه کمی از موضوع رو به پسرش گفت.][4]

کِی موضوع را [رو] به زنت میگویی [میگی]؟

1 A day 2 What is the matter? what is (it) about? 3 matter, story 4 He told his son only a little of the story

۱۹. فعلِ اَمر Imperative

بـ + ستاکِ حال ← فعلِ اَمر[۱]

بـ + گو ← بِگو tell (sing.)

بـ + گو + ید ← بِگویید tell (pl.)

تمرین ۵۹

بشنوید و تکرار کنید:

لطفاً کتاب را به من بِده. Give me the book

لطفاً یک [یه] لیوان آب به او بِدهید [بدید، بدین].

لطفاً اسمتان را به پُلیس[۲] بِگویید [بگید، بگین].

آدرسِ[۳] خانه‌ات را به پلیس بگو.

امشب فقط سوپ[۴] بِخور [بُخور].

---

1 The *Imperative* is formed by adding the prefix *be* – (or *bi*– before a vowel) to the present stem It has two persons singular and plural The singular do not take any conjugational ending, but the plural takes *id* [*–in*]

2 Police 3 Address 4 Soup

۱۴. ... یِک هفته. — After one week

۱۵. ... من. — After me

۱۶. ساعتِ شش ... ظُهر. — Six o'clock in the afternoon

۱۷. ... ساعتِ چهارِ ... ظهر. — After 4 o'clock in the afternoon

۱۸. ناهارَم را ... می‌خورم. — I (will) eat my lunch later

۱۹. ... خوردنِ غذا. — After eating lunch

۲۰. پانزده سالِ ... — Fifteen years later

۷. [آقایِ ....، لُطفاً ... کم ... تُند... بِـرو ...، .... هشت و ....، فـقط ... ساعت وَقت[1] ... یـم (یک، ــی، ــید، رانَــنده، ــتر، نــیمه، نــیم، ساعت، دارــ)

۸. لطفاً ... تر بیا ... وَ ... ایـن ... نـزدیکِ ... تـان ... ــید. (صندلی، بنشین ــ ، نزدیک ــ، ، خواهرِ ــ یید، رویِ)

۹. ... جُفت ... و ... زیرپوش و سه ... دُکمه ... من ... ــخر.
(تا، چند، چند تا، برایِ، جوراب، بـ ــ)

۱۰. [این ... برایِ ... بُلَند ...، .... شلوارِ ... ــ تر . .. ــ خر ــ.]
(شما، شلوار، ـ .. کوتاه ــ، یه، ــ ین، بـ ــ)

---

1 Time

تمرین ۶۱

جاهای خالی را پر کنید.

۱. [... آقا، ... این ... چَند ...؟] (کُلاه، قیمتِ، بِبخشید، ـــ ه)

۲. قبل ... شما دو ... خانم آمد ... اینجا و دو ... سیب‌زمینی ... ـــ ند.
(کیلو، ار، تا، خرید، ـــند)

۳. [آقای فُروشَنده[1]، این ... بَرا ... خِیلی ... ـــ ه، لطفاً ...
کوچیک... به ... بِد ...] (گُشاد، من، پالتو، یه، ـــ تَر، من، ـــ ید)

۴. [ولی این ... ی[2] یه ... تَنگ ـــ ...، این ... پسرِ ... خوب...] (کمی،
برا، یک ـــ، من، ه، ه)

۵. [بِبخش ... آقا ... فروشنده، این انگورا شیرین .. یا تُرش، ... یی
... ه؟] (یِ، ـَـن، کیلو، چند، ـــ ید)

۶. [خانم، ... خِیلی خوبیه، اَوّل ... خورین ... بِخَرین، کیلو ... بیست
... پنج .] (بِ ـــ، بعد، انگورِ، ـــ یی، و، تومن)

---

1 Seller 2 This one

آنها دیروز به بازار رفتند ولی هیچ چیز نَخریدند.

هیچ[1] [هیچ‌چی] پول دارید؟

نَخِیر[2]، هیچ پول نَدارم.

هیچکَس[3] را دیدید؟

نَخِیر، هیچکس را نَدیدم.

این مُوضوع را [رو] به هیچکس نَگو.

به من نَگُفتید هفتهٔ قبل کجا بودید.

هیچوَقت[4] دُروغ[5] نَگویید[6].

چرا غذایَت را نِمی‌خوری؟

مَجید[7] کتابهایَش را به کَسی[8] نِمیدهد.

[مَجید کتاباش رو به کِسی نِمیده].

گُرُسنه هَستی؟

نَخِیر، من گُرُسنه نیستَم[9].

تو هیچوقت در خانه نیستی.

مَجید شاگرد زرَنگی نیست.

ما برادر او نیستیم.

---

1 Any, none 2 No! 3 Anybody 4 Never (= no time) 5 Lie 6 Never tell lies (=lie) 7 A male name 8 Anybody 9 The negative form of hastam 'I am', hasti 'you (sing)are'etc. is nistam 'I am not', nisti 'you are not', etc

بخش ۳

۲۰ فعلِ مَنفی Negative verb

نَـ / نِـ + فعل ← فعلِ مَنفی[1]

نَـ + رَفتَم ← نَرفتَم.	(I) did not go
نِـ + می‌رَوَم ← نِمی‌رَوَم.	(I) do not go
نَـ + رُو ← نَرو.	You (sing.) do not go!
نَـ + رَوید ← نَروید.	You (pl.) do not go!

تمرین ۶۲

بشنوید و تکرار کنید

پریروز علی آمد ولی شما نَیامَدید[2]

چرا امروز به مَدرسه نَرفتی؟

هیچکَس[3] در اداره نَبود.[4]

هیچ چیز[5] [هیچ‌چی] نَخوردم.

1 The negative verb is obtained by adding the prefix *na* – to the past tense and imperative, and *ne* – to the present tense. The prefix *mi* – (of the present tense) is retained, but the prefix *be* – (of the imperative) must be dropped. 2 See footnote 1, p. 104. 3 Anybody, no one. 4 Unlike English, the negative expressions such as *hichkas* «no one» *hich chiz* «nothing» *hargez* «never» and the like require negative verbs. 5 Anything, nothing.

ستاک حال	ستاک گذشته	مصدر
ـ آوَر [ـ آر] ←	آوَرد ←	آوَردَن[1]
ـ بَر ←	بُرد ←	بُردَن[2]
ـ شوی [ـ شور] ←	شُست ←	شُستَن[3]

	آوَردم [آوُردم]	میاوَرَم [میارَم]
بیاوَر[4] [بیار]	آوَردی [آوُردی]	میاوَری [میاری]
	آوَرد [آوُرد]	میاوَرَد [میاره]
	آوَردیم [آوُردیم]	میاوَریم [میاریم]
بیاورید [بیارین]	آوَردید [آوُردین]	میاوَرید [میارید، میارین]
	آوَردَند [آوُردَن]	میاوَرَند [میارَن]

1 To bring 2 To take away, to carry 3 To wash 4 See footnote 1, p 104

شما هَنوز پیر نیستید.

آنها هیچوَقت شاد نیستند.

احمد و ناصر هیچوقت با هَم[1] به مدرسه نِمی‌رَوَند.

تمرین ۶۳

فعلهای زیر را منفی کنید — Make the following verbs negative

زمان حال	زمانِ گُذَشته	امر
من میگویَم[2] [میگَم]	گُفتَم	
تو میگویی [میگی]	گفتی	بِگو
او میگویَد [میگه]	گفت	
ما میگوییم [میگیم]	گفتیم	
شما میگویید [میگید، میگین]	گفتید [گفتین]	بِگویید [بگید، بگین]
آنها میگویَند [میگَن]	گفتَند [گفتَن]	

1 Together 2 See footnote 1, p,104

(هیچوقت، ـــ می، خوک[1]، ـَـ د)

۳. رویِ ..... صندلی ..... نِشینَ ..... ، ..... است.

(کثیف، این، نـ ـــ، ـــ ید)

۴. چرا ..... یَت ..... با ..... نـ ..... شو .....؟

(صابون[2]، ـــ می، دستها، ـــ یی، را)

۵. مادرِ ..... هَر ..... او ..... به ..... می .....

(روز، را، مدرسه، حَمید[3]، ـــ بَرَد)

۶. ..... بچّه ..... را ..... خودِ ..... به ..... نـ .....بَر .....؟

(ـــ می، ها، ـــ تان، سینما، با، ـــ ید، چرا)

۷. هفتهٔ ..... او ..... بیشه ..... از ..... بار ..... دید.....

(را، یک، قبل، ـــ تر، ـَـ م، نـ ـــ)

۸. فردا ..... تان ..... برایِ ..... می‌آور .....

(ـَـ م، ـــ تان، کتابـ ـــ، را)

۹. پسر ..... به ..... دُروغ ..... ـــ می ..... یَد.

(ـــ گو ـــ، نـ ـــ، من، ـَـ م)

۱۰. شما ..... روزی ..... بار .....ها ..... را ..... شو .....؟

(چند، معمولاً، می، دستـ ـــ، ـــ یید، یِتان)

---

1 Pig 2. Soap. 3 A male name.

میبَرم	بُردَم	
میبَری	بُردی	
میبَرَد [میبَره]	بُرد	بِبَر
میبَریم	بُردیم	
میبَرید [میبرین]	بُردید [بُردین]	
میبَرَند [میبَرَن]	بُردَند [بُردَن]	بِبَرید [بِبَرین]

شُستَم	میشویَم [میشورَم]	
شُستی	میشویی [میشوری]	
شُست	میشویَد [میشوره]	بِشوی [بِشور]
شُستیم	میشوییم [میشوریم]	
شُستید [شستین]	میشویید [میشورین]	بشویید [شورین]
شُستَند [شستَن]	میشویَند [میشورَن]	

تمرین ۶۴

جاهای خالی را پر کنید.

۱. مُعَلِّم ... هَر ... ساعتِ ..... یک ..... می.....

(سیب، دَه، ما، روز، ـــ خورَد)

۲. علی ..... گوشتِ ..... نـ ..... خور .....

15. Why didn't you bring your sister with you?

16. How many buttons does his coat have?

17 What are you washing (= do you wash) your hands with? (= with what?)

18 Why doesn't he tell me (= to me) his friend's name?

19 Where are you (sing) taking (= do you take) these dirty plates?

20. What time (= hour) do you usually eat breakfast?

تمرین ۶۶

بشنوید و تکرار کنید.

سیما خانم و مِهری خانم با هَم به خَرید می‌روند.

Miss Sima and Miss Mehri go shopping together

صدای زنگِ دَرِ خانهٔ مهری خانم .....

مهری: کیه؟

سیما: مَنَم، مهری خانم.

مهری: اومَدَم.

مهری: سلام ....، بَه‌بَه[1]، خوش آمدین[2].

---

1. Oh, lovely 2 You are welcome

تمرین ۶۵

به فارسی بنویسید.

1 How much money do you have?

2 I have two thousand[1] five hundred[2] and seventy six Tomans.

3 How much time do we have?

4 You have only half an hour (= half hour time)

5 Where does he take his son to (= to where)?

6 [Why don't you bring my food for me?]

7 How many times a week do you see your mother?

8 [Go (and) wash your hands and face with soap]

9 [Come (sing) and eat (= come eat), then, go and sit (= go sit)]

10 Take your son with you (= with yourself)

11 Why doesn't she eat this delicious dish[3]?

12 They sometimes go to see their grand father

13 How old (= how many years) is (= has) your elder (= big) daughter?

14 Why don't you buy this nice skirt for your wife?

---

۱ دو هزار (do hezâr) ۲ پانصد (Pânsad) ۳ خوراک (Khorâk)

کارد و چَنگال، چَن تا شُورت و زیرپوش بَرا پِسرَم. شُما چی میخرین؟

مهری: من فقط یه روسَری بَرا خودم میخرَم. یه دامن هَم بَرا فَریده، دخترم. خیلی پول ندارَم.

سیما: من پول دارَم، چقَد میخوایین[1] (= میخایین)

مهری: نه، خیلی مَمنون، هیچ‌چی.

(در فروشگاه)

سیما: ببخشید آقا، یه جُف کفش بَرا خودم میخوام[2].

فروشنده: اندازه‌تون چنده؟ چه رَنگ میخوایین؟

سیما: اندازهٔ پایِ من چِهِله، رَنگِ سفید میخوام.

فروشنده: متأسّفانه رنگِ سفید نداریم. صورَتی[3] داریم.

سیما: باشه، بِدین لطفاً، قِیمَتِش چَنده؟

فروشنده: سیصَد و هشتاد و پنج تومن.

سیما: خوبه، بفرمایین.

فروشنده: مُبارَکه[4]!

---

1 How much do you want? 2 (I) Want 3 Pink 4 Congratulation

سیما: سلام مهری خانم، حالِتون چطوره؟

مهری: متشکّرم، حال شما چطوره؟ بِفرمایین تو[۱].

سیما: نه، نِمیام تو، دیره، میرم خرید، شما میایین؟

مهری: آره، مَنَم (= من هَم) میام، چن دَیقه بیایین تو، یه اِستِکانِ چایی بُخورین، بَعد با هَم میریم.

مهری: خِیلی خوش اومَدین، چی میخورین؟ چایی یا آب پُرتقال[۲]؟

سیما: هوا یه کمی گَرمه، آبِ پرتقال خُنَک بِهتَره، مَمنونم.

سیما: بَه بَه چه خُنَکه! دستِ شُما دَرد نَکُنه[۳].

مهری: خُب حالا من حاضِرَم[۴]، بِریم[۵].

مهری: کُدوم فُروشگاه میریم؟

سیما: فروشگاهِ قُدس، همه چیز داره.

مهری: با تاکسی[۶] میریم یا با اُتوبوس[۷]؟

سیما: با هیچکدوم[۸]، پیاده[۹] میریم، نزدیکه. فقط دَه دَیقه راهه[۱۰]

مهری: باشِه، پَس تُندتر بِریم، یه کمی دیره.

مهری: امروز چی میخرین؟

سیما: خِیلی چیزا، یه جُف کفش، بَراخودم، شیش تا لیوان، چَن تا

---

1 Come in 2 Orange juice 3 Thank you very much (= may your hand not be hurt)
4 (I) am ready 5 Let us go 6 Taxi 7 Bus 8 With none of them 9 On foot
10 (it) is ten minutes walk (= way)

تمرین ۶۸

به فارسی بنویسید.

1 This man

2 Which woman?

3. From that boy

4 To which girl?

5 To that room

6 In this book

7 Which pencil?

8 Which gentelman?

9 What place?

10 On what table?

11 Under which table?

12 Who to?

13 Where from?

14 In this garden

15 Come here

16. Sit there

17 Go home

18 A night

19 One night

20 Eleven nights

21 A man

22 One man

23 Four men

24 To what place?

25. A woman

26. One woman

27 Five women

28 ten girls

29 thirteen boys

30. One hour

31 Six hours

32. Where is he?

درس ۸

Review دوره

تمرین ۶۷

Dictation دیکته

Write in persian letters — با حروف فارسی بنویسید.

1 Pariruz havâ garm bud vali emshab khonak ast

2 in asbhâ sefid hastand vali ân olâghhâ siâhand

3 in mâdare javân se bachcheye kuckake tamiz dârad

4 havâye tehrân dar tâbestân garm va dar zemestân sard ast

5 in khânome pir yek pesare bist sâle dârad

6 u hasht hafte injâ bud 7 ân châye shirin mâle kist?

8. in sandalihâye ghahvei mâle otâghe ânhâst

9 ishân khânome doktor parvine safâ hastand

10 gole narges ghashangtarine golhâst

22 There was a flower under the chair

23 A window was open

24 A door was shut

25 The door of the house

26 The window of the room

27 These windows

28 The windows of the rooms

29 There is a vase on the table

30 From this house to that house

تمرین ۷۰

به فارسی بنویسید.

1 The children

2 The clean children

3 These dirty hands

4 These girls

5 These intelligent[1] girls

6 Three intelligent and clever[2] students

7 This new and fast[3] car[4]

9 Which red car?

9 The clever driver[5]

10 Which clever driver?

11 A fast train[6]

12 A close[7] friend

13 Which fast train goes to Ahvâz?

14 The angry[8] driver came again

15 Who came again?

16 Yesterday and today

17 Come fast and go slowly

---

۱ باهوش ۲ زرنگ ۳ سریع ۴ ماشین ۵ راننده ۶ قطار
۷ نزدیک ۸ عصبانی

33 Where is Ali?

34 What is on the table?

35 Where is that man?

36 That man is here

37 That dog is in the house

38 The pen is under the chair

39 These two pens

40 These two men and three women

تمرین ۶۹

به فارسی بنویسید.

1 This mother

2 Those nine mothers

3 This father

4 These eight fathers

5 What cat?

6 These cats

7 These three cats

8 What is this?

9 This is a pen

10 Who is that?

11 That is a man

12 Who is that lady?

13 She is Mrs Safa

14 What house?

15 What city is this?

16 This is Shiraz

17 Come here now

18 Babak is here today

19 There is a child here

20 A man came here

21 There was a horse over there

(= a horse was there)

تمرین ۷۲

به فارسی بنویسید.

1 What a lovely[1] day!

2 How fat she is!

3 What a long and tiresome[2] road!

4 How heavy this table is!

5 How nice it is!

6 You bought two kiloes (of) honey[3]

7 What book did (you) buy?

8 Which car goes faster?

9 Which shop is nearer to your office

10 Whose is this unripe pear?

11 This intelligent young man is Mr Hassani's son

12 These sour apples belong to my uncle's garden

13 Whose are these old shoes, yours or his?

14 From which fruitmonger do they buy fruits (= fruit)

15 How far (= as far as where) do we go?

---

۱ خوب　　۲ خسته کُننده　　۳ عسَل

18 The sour grapes and the sweet pomegranates

19 A thirsty dog and a hungry cat

20 Cold air and warm water

21 A kind[1] and learned[2] teacher

تمرین ۷۱

به فارسی بنویسید.

1 I am healthy [3]

2 You are sick (= ill)[4]

3 We are tired[5]

4 They are sick and tired

5 She is well and happy[6]

6 (His) uncle[7] is still young and chearful [8]

7 Where are (you)?

8 (Her) aunt[9] is always sad[10]

9 (My) grandfather[11] is very old but still healthy

10 How is (your) grandmother[12]?

11 (I) am sorry[13]

12 His aunt[14] was in the hospital[15] yesterday

13 Your uncle[16] is here now

---

۱ مهرَبان [مِهرَبون] ۲ باسَواد ۳ سالِم ۴ مَریض بیمار ۵ خَسته ۶ خوشحال ۷ عَمو (father's brother) ۸ شاد، شاداب ۹ خاله (mother's sister) ۱۰ عمگین ۱۱ پدربزرگ ۱۲ مادربزرگ ۱۳ مُتأسِّف (moteassef) ۱۴ عَمّه (father's sister) ۱۵ بیمارستان ۱۶ دایی (mother's brother)

تمرین ۷۴

جاهای خالی را پر کنید

۱. پسرم هر روز به مدرسه ..... رَو .....

۲. من کی ....؟

۳. او مادر ..... بیمار .....

۴. پدرِ تو پیر ..... از پدرِ من .....

۵. خواهرِ زَهرا زیبا ..... از لِیلا[1] .....

۶. سیما فداکار[2] ..... زنِ روستا[3]یِ ما .....

۷. این دو برادر هر هفته ..... مغازهٔ من ..... آ .....

۸. شما و دخترتان دیروز از ..... نُه و ده دقیقه ..... ساعتِ ده ..... بیست ..... در ادارهٔ من بود.....

۹. من و پسرم به آنجا رفت..... و در حدودِ[4] یک ساعت نشست.....

۱۰. دیروز چه کس.. .. اینجا بود؟

۱۱. مُتِأَسَّفانه[5] بیشترِ[6] مَردُمِ جَهان بی‌سواد[7] .....

۱۲. چه جا ..... بهتر ..... اینجا .....؟

۱۳. چرا شما همیشه از این فروشگاه کفش ..... خر.....

---

1 A female name 2 devoted 3 village 4 about, nearly (= in the limits of)
5 unfortunately 6 most of 7 illiterate

تمرین ۷۳

جاهای خالی را پر کنید.

۱. من خود ... آنجا بودم.

۲. شما خودتان آمد...

۳. ما خود ... در بیمارستان بود ...

۴. علی خود ... روی این صندلی می‌نسین ...

۵. تو خود ... به یَزد[۱] آمد ...

۶. آنها خود ... به کرمان رفتن ...

۷. خودِ تُو ... لبنیاتی نزدیکِ خانه‌تان تسیر ... کَره خرید ...

۸. آقای دکتر صفا خودتان هست ...؟

۹. صندلي شما رنگ ... سفید ..

۱۰. خانهٔ خودِ او در آبادان[۲] ... ولی مالِ برادر ... در چه شهر ... است؟

---

1 A city in the center of Iran
2 A city in the south of Iran

تمرین ۷۶

تمرین ۶۶ را بخوانید و بعد جواب سؤالهای زیر را بنویسید.

Read exercise 66 and then answer the following questions

۱. سیما خانم مادرِ مهری خانُم است؟

۲. مهری خانم برایِ سیما خانم چه /چی آوَرد؟

۳. سیما و مهری کُجا رفتند؟

۴. آنها با تاکسی رفتند یا با اتوبوس؟

۵. سیما در خانهٔ مهری چه /چی خورد؟

۶. سیما برای پسرَش چه /چی خَرید؟

۷. اسمِ دختر مِهری چیست؟

۸. سیما بیشتر پول داشت یا مهری؟

۹. سیما به مهری چقَدر پول داد؟

۱۰. سیما برایِ خودَش چه / چی خَرید؟

۱۱. اندازهٔ پایِ سیما چند است؟

۱۲. سیما کفشِ سفید خَرید یا کفش صورتی؟

۱۳. چرا سیما کفشِ صورتی خَرید؟

۱۴. قیمتِ کفشِ صورتی چَند بود؟

تمرین ۷۵

دیکته

با حروف فارسی بنویسید

1 nâser behtarin dâneshjuye dâneshgahe ahvâz ast

2 maghâzeye akbar durtarin dokkân be khiâbâne mâst

3 mordâd garmtarin mâhe sâl ast

4 forushgâhe ghods bozorgtarin maghâzeye in shahr ast

5 mardom dar fasle zemestân khormâ bishtar mikharand

6 behzâd hamishe ruye in sandali mineshinad

7 to davâzdah sâl kuchaktar az man hasti

8 khiâre man talkh ast

9 bebakhshid, nâme keshvare shomâ chist?

10 âghâye izadi va khânomeshân duste mâ hastand

اِیکاش، گُل، گَردِس، فاضی ، صَحیح، نَحیر، خوب، حَواں،
مُوعِظه، مُوقِع، اُوصاف ، نُوراد، صَدوق ، عِید

تمرین ۱۱

سَخت، شیرین، بیابان، پِسَر، دُختَر، مَرد، خانه، کِتاب، بُزُرگ،
اینجا، آنجا، اِمروز، دیروز، رولیده، اِمشَب، دیشَب، گُرُسنه،
دوباره، پَنجِره، قَسَنگ خُنَک، کوچَک، آهسته، هَمیشه، مادَر،
مِداد، رُوشَن، عِینَک

تمرین ۱۲

دریمی، لَند، بیوتیفول، پِردیکِیب، پِلُو، پیمِنت، کاراوان،
گارانتی، هالیدِی، مِرِر، موومِنت، پِلِرِر، ستیوپیدیتی، هاسپیتال،
سُسپَن، زیگزاگ، اَتِرنس، بوچِر، شیمِلسلی، اینویزِبل،
اَگریکَلچِر، لارج، ویوید، جِنتِلمَن، پراسپِکت.

تمرین ۱۴

۱. آن اُتاق

کلیدِ تمرینها

Key to exercises

تمرین ۳

بَرادَر، ضَرَر، دانا، نادان، نَدارَد، بابا، عادَت، تابان، نازا، باران، آزاد، آزار، زَبان، اِرادَت، بَرتاب.

تمرین ۵

فَنداغ، فَندان، مِهماندار، ضِدّ، نِظام، نَظم، زِندان، اِضطِراب، اَردَها، هَمهَمه، اَرزان، اِعاده، اِحتِضار، ذَرّه، مِقدار.

تمرین ۷

فاعِل، سَهل، ثَمَره، بابِت، سُرفه، اُستاد، ساهِد، وَقف، مَفعول، موسِها، نوزدَه، صاعِقه، سوب، وِراثَت، صُلح، ثَروَت

تمرین ۱۰

ایستان، سُما، شِکایَت، کوچه، خیابان، کُمَک، کثیف، چِراغ،

۲۰. این مادَر و دُختَر

۲۱. آن خواهَر و بَرادَر

۲۲. پَنج بَرادَر و چَهار خواهَر

۲۳. یِک روز و شَب

۲۴. آن یِک اُتاق

۲۵. آن دَه اُتاق

۲۶. هَشت ساعَت

تمرین ۱۶

۱. آن مَرد کیست؟

۲. این خانُم سه بَچّه دارَد.

۳. او اِمروز کُجاست؟ / اِمروز او کُجاست؟

۴. او اِمشَب آنجاست. /اِمشَب او آنجاست.

۵. شِش کِتاب و هَشت دَفتَر اینجاست.

۶. آن نُه مَرد و دَه زَن کُجا هَستَند.

۷. آن آقا پَنج بَرادَر و یِک خواهَر دارَد.

۸. این مَرد و آن زَن کی هَستَند؟

۹. این خانه چَهار اُتاق دارد.

۲. این کِتاب

۳. این پِدَر

۴. آن مادَر

۵. این بَچّه

۶. آن خواهَر

۷. آن بَرادَر

۸. این ساعَت

۹. این خانُم وَ این آقا

۱۰. مَرد و زَن

۱۱. آن مَرد وَ این زَن

۱۲. سه صَندَلی

۱۳. یِک [یه] صَندَلی

۱۴. هَفت [هَف] کتاب و هَشت [هَش] قَلَم

۱۵. یِک [یه] کِتاب و یِک [یه] قَلَم

۱۶. این دو بَچّه

۱۷. آن نُه میز

۱۸. این میز و آن دَه مِداد

۱۹. پِدَر و پِسَر

۵. دَرهائی بَسته بودند.

۶. دیروز مردی / یک مَرد / یک مَردی اینجا بود.

۷. هَمهٔ / تَمامِ مَردها هَمیشه آنجا بودَند.

۸. پَریروز مَردهایی اینجا بودَند.

۹. تَمامِ / هَمهٔ بَچّه‌ها آمَدَند.

۱۰. آن سه خانُم پَریروز رَفتَند و دیروز آمَدَند.

۱۱. آن پِسَر کِی اینجا آمد؟ / کِی آن پِسَر اینجا آمَد؟

تمرین ۲۶

۱. گربهٔ سیاه آنجاست (= آنجا است).

۲. این آب گَرم است.

۳ او تِسنه وَ گُرُسنه است.

۴ آن سَگِ زَرد پَنج بَچّه دارَد.

۵. این خانُمِ جَوان یک پِسَر دارَد.

۶. اَنگورِ تُرس بَد است.

۷. پَنجِره کُهنه و کَثیف است / پَنجره کَثیف و کُهنه است

۸. بیا اینجا و بِنِشین / بیا و بِنِشین اینجا.

۹. دیوارِ کَثیف زِشت است.

۱۰. آن دو میز و دَه صَندَلی آنجا هَستَند.

۱۱. عَلی پِسَر دارَد؟

۱۲. بَله، او دو پِسَر دارَد.

۱۳. این مَرد عَلیست (= علی اَست) و آن خانُم بَروین اَست.

۱۴. این شِش زَن کی هَستَند؟

۱۵ نادِر کُجاست؟

۱۶. او اینجاست.

۱۷. او حالا کُجاست؟

۱۸. اِمشَب بیا اینجا.

۱۹. حالا بُرو خانه

۲۰ ساعت چَهار است

۲۱. ژاله سه ساعت دارَد.

تمرین ۲۰

۱ دَر بَسته بود.

۲ دَری بَسته بود / یِک دَر بسته بود / یک دَری بَسته بود.

۳. تمامِ دَرها بَسته بودَند / هَمهٔ درها بَسته بودَند

۴. تمامِ / هَمهٔ این دَرها بسته بودند.

۱۶. [حالا من کُجام / من حالا کُجام؟]
۱۷. [اینِ درَختِ پیر هَنوز سَبزه.]
۱۸. [کَفشهایِ کُهنه اینجان.]
۱۹. مَردِ پیرِ دانا کُجاست؟
۲۰. ما هَمه خوبیم.
۲۱. [تو تِشنه‌ای (= یی)، نَه گُرُسنه / گُشنه.]
۲۲. [اِمروز هَوا خُنَکه، نَه سَرد.]
۲۳. [شُما هَنوز یه کَمی چاقین.]
۲۴. او حالا کُجاست / حالا او کُجاست؟
۲۵. او هَشت هَفته اینجا بود.

تمرین ۳۲

۱. زَنِ او.
۲. شُوهرِ او.
۳. دوستهایِ من.
۴. چَشمهایِ تو.
۵. شاگِردهایِ شُما.
۶. اُستادِ ما.

۱۰. مَردِ پیر و تَمیزی اینجا بود / مَردِ تَمیز و پیری اینجا بود.

تمرین ۳۰

۱. قَشَنگ است

۲. مَن هَنوز جَوانَم.

۳. بَد است.

۴. این لِباسها تَمیزَند.

۵. آن زنِ پیر هَنوز زیباست.

۶. لباس کَثیف خِیلی بَد است.

۷. کُجایید؟

۸. او حطُور است؟

۹. [حطُوره؟]

۱۰ کُدام شَهر؟

۱۱. [کُدوم ساگِرد اینجاس؟]

۱۲. کی زِشت است؟

۱۳. این چیست؟

۱۴. [اون چیه؟]

۱۵. میوه‌ها هَمه کالَند / نارَسَند.

۲۵. هَوایِ سهر تَبریز هَمیشه سَرد است

۲۶ لباسِ آبیِ خواهرِ او هَنوز نُو است، وَلی لِباسِ قِرمِزِ خانمِ / زنِ تو کُهنه است.

۲۷. دَوازده شاگِرد و هِفدَه دانِشجو.

۲۸. این یک درختِ گلابیست و آن یک درختِ پُرتقال است.

۲۹. یک اسبِ سِفید / اسبِ سفید ی / یک اسبِ سفید ی زیرِ درخت است.

۳۰. آن پنج کتاب رویِ میزَند. آن ساعتِ سَنگین رویِ دیوار است.

۳۱. یک گربهٔ سیاه و سفید / گربهٔ سیاه و سفیدی / یک گُربهٔ سیاه و سفیدی رویِ درخت است

۳۲. دستِ چپِ شما رویِ چشمِ راستِ من است

۳۳. رَنگِ مویِ مُعَلِّمِ پِسَرِ آنها قِرمِز / سُرخ است

تمرین ۳۴

۱. این مالِ من است، ولی مالِ شما کجاست؟

۲. آن خانهٔ بُزُرگ هَنوز مالِ آنها / ایشان است.

۳. چی مالِ اوست؟

۷. اسمِ مُعَلِّمِ شما.

۸. دَستِ راستِ مَن.

۹. چَشمِ چَپِ زَنِ او.

۱۰. گوشتِ گوسفَند.

۱۱. لِباسِ قَهوه‌ایِ مُعَلِّمِ بابَک.

۱۲. جایِ پِسَرِ مَن.

۱۳. دانِشگاهِ تهران خِیلی بُزُرگ است.

۱۴. آن نارِنگیِ سَبز نارَس / کال است

۱۵. بانزده گیلاسِ شُما هَمه قِرمِزَند / سُرخَند.

۱۶. خَر حِیوانِ خوبیست (= خوبی است).

۱۷. اصفهان شهرِ بُزُرگِ زیبائیست (= زیبائی است).

۱۸. شیر سِفید است وَلی قَهوه قهوه‌ایست (= قهوه‌ای است).

۱۹. آن زنهای لاغَر کی‌اَند (= کی ـَ ند)؟

۲۰. آن مَردهایِ چاق دیروز اینجا بودَند.

۲۱. باغ کوچَک

۲۲. دیوارهایِ باغِ بُزُرگِ دوستِ من

۲۳. گیلاسهایِ زَرد خیلی ریزَند.

۲۴. این سانزده درختِ هُلو.

۴. پایَش زیرِ میز است.

۵. یازدَه پُرتقالَش رویِ میزَند / میز هستند.

۶. [پِسَرِ جَوونِمون خونه‌اس.]

۷. گوشِ راستِ خواهَرَم.

۸. لِباسهایِ آبیِ شوهَرَش.

۹. چَشمِ چَپِ پدَرِ پیرشان.

۱۰. دَر و پَنجرهٔ کُهنهٔ اُتاقمان.

۱۱. خانمِ / زنِ او خودش آمَد.

۱۲. شوهرِ او خودَش رَفت.

۱۳. مُعَلِّمِ دخترَم خودَش اینجا بود.

۱۴. [همهٔ / تمامِ پسرام خودِشون اونجان / اونجا هستَن.]

۱۵. من خودم / خودِ من.

۱۶. فَرهاد خودش / خودِ فرهاد.

۱۷. شما خودِتان / خودِ شما.

۱۸. آنها خودِشان / خودِ آنها دیروز اینجا بودَند.

۱۹. ژاله خودش / خودِ ژاله کُجاست؟

۲۰. [اونا خودِشون / خودِ اونا کُجا هستَن؟]

۴. این کتاب دیروز مالِ تو بود، وَلی حالا مالِ اوست.
۵. این کِشوَر همیشه مالِ ماست.
۶. هَمهٔ / تمامِ چیزهای خوب مالِ شهرِ شماست.
۷. این هُلوهای زَرد مالِ باغ علی‌اَند / است.
۸. آن لِباسِ آبی مالِ ایرانست.
۹ مالِ من مالِ شُماست و مالِ او مالِ بَچّه‌هاست.
۱۰. این کفشهایِ خیلی سَبُک مالِ کی‌اَند / هَستَند.
۱۱. این جای مالِ کیست؟
۱۲. سیما خواهرِ کیست؟
۱۳. این بَچّه‌ها مالِ ما هَستند.
۱۴. آن صَندَلیِ سیاه مالِ اوست.

تمرین ۳۷

۱. دخترِ خوب و قَشَنگم.
۲. بَچّه‌هایتان کُجا هستند؟
۳. دوستِتان دیسب کُجا بود؟

۶. [ما اومَدیم.]

۷. او رَفت.

۸. او آمَد.

۹. تو خَریدی.

۱۰. من آمَدم.

۱۱. شما اینجا بودید.

۱۲. نِشَستید.

۱۳. او نِشَست.

۱۴. ما رَفتیم.

۱۵. ما بودیم.

۱۶. آنها بودَند.

۱۷. شما خَریدید.

۱۸. نِشَستیم.

۱۹. [اوناروی صَندَلیها / صَندَلیا نِشستَن.]

۲۰. من یک هِندوانه / یک هندوانه‌ای خَریدَم.

۲۱. آنها از تبریز آمدَند.

۲۲. من دَر خانه بودَم.

۲۳. پدرش/ پدرِ او پارسال یک خانهٔ کوچَک / کوچکی خَرید.

تمرین ۴۲

۱. مور خیلی گرانتر از خیار است.

۲. چهار کیلو هندوانه ارزانتر از شش کیلو خربزه است.

۳. زمستان خیلی سردتر از پائیز است.

۴. بهار کمی / یک کمی خنکتر از تابستان است.

۵. [غذای شما / غذاتون خیلی لذیذتر از مال من ه.]

۶. مرداد گرمترین ماهِ تابستان است.

۷. بهترین / خوشترین صبحانه تخم‌مرغ و کره است.

۸. [اونا سیزده هزار / زیاد بیشتر / زیادتر از تو دارن.]

۹. فروشگاهِ سه بزرگترین فروشگاهِ شهرِ شماست.

۱۰. او زودتر از همه رفت.

تمرین ۴۴

۱. شما نشستید.

۲. من نشستم.

۳. او بود.

۴. [اونا بودن]

۵. [خریدن]

تمرین ۴۸

۱. شما فردا شَب کُجا هَستید؟

۲. او کِی به خانهٔ ما میایَد؟

۳. [اونا کِی اینجا هَستَن؟]

۴. تو کِی خانه هَستی؟

۵. گُربهٔ من زیرِ میز میِ‌نشینَد.

۶. شما کِی از فَرانسه آمَدید؟

۷. او کِی اَز اِنگِلیس میایَد؟

۸. شما کِی خَرید میرَوید؟

۹. شما کُجا میِ‌نشینید؟ نزدیکِ درختِ سیب یا دور از آن؟

۱۰. دوستِ شما چی میخَرَد؟ مُرغ یا ماهی یا بوقَلَمون؟

۱۱. زنِ / خانُمِ من سه کیلو سیب‌زَمینی و یک کیلو گوشتِ گوساله خَرید. سیب‌زَمینی اَرزان بود ولی گوشتِ گوساله خیلی گران بود.

۱۲. چِرا سیب‌زَمینی خِیلی اَرزانتر اَز گوشتِ گاو است؟

۱۲. چِرا آنها هَرسال به آمریکا میروَند؟

۱۴. چِرا شما دیر میایید و ود میرَوید؟

۱۵. شما رویِ چه / چی می نشینید؟

۲۴. خواهرِ من / خواهرَم اِمروز صُبح به کرمان رَفت.
۲۵. از گیلان تا اهواز راهِ دِرازیست (= درازی است).
۲۶. به من.
۲۷. به آنها / به ایشان.
۲۸. به شما.
۲۹. به او.
۳۰. به ما.
۳۱. به‌تو.
۳۲. اَز من به شما.
۳۳. اَز ما به آنها / ایسان.
۳۴. اَز شما به بَرادرِ من.
۳۵. اَز دیشَب.
۳۶. اَر ده تا دوازدَه.
۳۷. اَز ساعَتِ پَنج تا ساعَتِ یازدَه.
۳۸. اَز خانه تا فروشگاه.
۳۹. دیر یا زود.
۴۰ [هَمهٔ / تَمامِ اونا خونه بودَن.]
۴۱. من رویِ صَندَلی نزدیکِ او نِشَستَم.

۱۱ دیروز بهزاد دو ساعت دیر آمَد.

۱۲. حرا تو هَر شب دیر به خانه میایی؟

۱۳. تو حالا به کدام شهر می‌روی؟

۱۴. من فردا عصر به سیما می‌روم.

تمرین ۵۰

۱ ـــــ بُزُرگترین کشور جهان اَست.

۲. نامِ کشورِ من ـــــ است.

۳. زِمستان سردترین فصلِ سال است.

۴. من فردا به بازار میروَم/ فردا به بازار میرَوم.

۵. [رنگِ لباسِ من/ لباسَم قَهوه‌ایه.]

۶. اسمِ بُزُرگتَرین شهرِ کشورِ من ـــــ است.

۷. [اسمِ خودَم ـــــ ه.]

۸. روزها در اداره هَستَم و شبها در خانه.

۹. به نظرِ من بهار/ پائیز بهتَر است.

۱۰. به نظرِ من رنگِ آبی/ سفید قَشَنگتَر از رنگِ سفید/ آبی است.

۱۶. شما چطور تا اینجا آمدید؟

۱۷. من تا ساعتِ نُه شب در مدرسه بودم.

۱۸. من کمی / یک کمی کره از مغازهٔ پدرِ شما / پدرتان میخرم

۱۹. بیا نزدیکِ من بنشین / بیا بنشین نزدیکِ من.

۲۰. من خیلی کوتاهتر از برادرِ بزرگِ شما / بزرگتان هستم.

تمرین ۴۹

۱. دو کیلو پیاز یازده تومان است.

۲. شما فردا شب کجا میروید؟

۳. برادرِ کوچکترِ من کِی رفت/ میرود؟

۴. پسرِ حسن دیروز شش کیلو هندوانه خرید

۵. مغازهٔ آقایِ حسنی در کدام خیابان است؟

۶. پیرترین استادِ دانشگاهِ شیراز کیست؟

۷. او زیرِ کدام درخت نشست/ می‌نشیند؟

۸. آنها دیشب ساعتِ هشت کجا بودند؟

۹. گربهٔ من/ شما قشنگتر است یا مالِ شما/ من؟

۱۰. تو از کدام کشور میایی/ آمدی؟

۸. فردا صُبح نیم کیلو عَسَل از مَغازهٔ برادرِتان میخَریم.

۹. امروز بَعد از ناهار شما و برادرِتان را در خانهٔ دوستَم می‌بینَم.

۱۰. مادر بُزُرگِ شما چند سال دارَد؟

۱۱. او نِصفِ غذایَش را به من میدِهَد.

۱۲. [او نِصفِ غذاش رو به من میده.]

تمرین ۵۵

۱. نصفِ پرتقال.

۲. نیم ساعت.

۳. دو ساعت و نیم.

۴. نصفِ مَردُم.

۵. نصفِ کتاب.

۶. نیم کیلو.

۷. نصفِ خانه.

۸. نصفِ شب.

۹. نصفِ پول.

۱۰. صَد و نَوَد و پَنج و نیم.

۱۱. من در تابستان بیشتر از زِمستان میوه میخَرَم. من در تابستان بیشتر میوه میخَرَم. من در تابستان میوه بیشتر میخَرَم.

۱۲. میوه در مغازهٔ میوه‌فروشی است.

۱۳. من از دُکّانِ/ مغازهٔ نانوائی نان میخَرَم.

۱۴. من از خواربار فروشی/ مغازهٔ خواربار فروشی برنج و رُوغن میخَرَم.

۱۵. در شهر ما گوشت/ تخمِ مرغ گرانتَر از تخم‌مرغ/ گوشت است.

تمرین ۵۴

۱. شما کِی او را دیدید؟

۲. او معمولاً چه روزهایی به دیدَنِ مادَرش می‌روَد.

۳. ما فردا عصر با آقای صَفا به سینما میرویم.

۴. قبل از من چه کَسی را دیدید؟

۵. من پدر بُزُرگِ شما را چند سالِ قبل در اصفهان دیدَم.

۶. [اندازهٔ یَقهٔ شُوهرتون چنده؟]

۷. امروز بیست و چهارِ خُردادِ هزار و سیصَد و شَصت و یکِ هِجریِ شَمسی است.

۱۰. چند ماه.

۱۱. [یه چند تا بشقاب.]

۱۲. سه تا گلابی.

۱۳. چند جفت دَستکش.

۱۴. چند تا سیب؟

۱۵. چهل تا قَلَم.

۱۶. چِقَدر شِکَر؟

۱۷. چِقَدر پول؟

۱۸. از تهران تا کرمان چقدر راه است؟

۱۹. از شیراز تا اصفهان چند کیلومتر است؟

۲۰. چند تا قاشُق و چَنگال.

۲۱. چقدر آب؟

۲۲. چند تا لیوان آب.

۲۳. چند کیلو گوشت.

۲۴. [قِیمتِ این پالتُو چنده؟]

۲۵. بِرِنج کیلویی چند است؟

۱۱. نصفِ راه.

۱۲. سه و نیم.

۱۳. سه کیلو و نیم.

۱۴. نصفِ هفت.

۱۵. نصفِ سه، یک و نیم است.

۱۶. نصفِ مُوضوع.

۱۷. نصفِ قِیمَت

تمرین ۵۶

۱. حَند دَقیقه

۲. [یه چند ساعت.]

۳. چند تا شاگِرد؟

۴. چند تومان.

۵. چند روز؟

۶. [یه چند کیلو اَنار.]

۷. یه چند تا فنجون.]

۸. [یه چند سال.]

۹. چند دَفعه.

۱۸. ناهارَم را بعداً می‌خورَم.

۱۹. بعد از خوردنِ غذا.

۲۰. پانزده سالِ بعد.

تمرین ۶۰

۱. لطفاً مُوضوع را به من بگویید.

۲. هَمیشه راست بِگو.

۳. [بابا، لطفاً این کُتِ سَبز رو بَرا مـن / بَـرام بِـخَر، قَشَنگ و ارزونه.]

۴. پِسَرَم، بیا نَزدیکِ من بِنشین.

۵. فقط رویِ این صندلی بنشینید / بنشین.

۶. اَوَّل سالاد بِخورید.

۷. [دَه دَیقه بَعد چایی‌تون رو بِخورین.]

۸. غذایَت را با قاشُق و چَنگال بخور.

۹. برو ببین کیست.

۱۰. [لطفاً بُشقابِتون رو به من بدین.]

۱۱. لُطفاً یک فِنجان قَهوه به من بِدَهید.

۱۲. [لطفاً یه لیوان آب به دوستِ من / دوستم بِدین.]

۱۳. لطفاً یک اِستِکان چای به او بده.

تمرین ۵۸

۱. قبل از شام.

۲. شبِ قبل.

۳. شش ماهِ قبل.

۴. قبل از شما.

۵. قبل از نِصفِ شب.

۶. هَفتهٔ قبل.

۷. قبلاً به شما گفتم.

۸. قبل از ساعتِ چَهار.

۹. قبل از هَر چیز.

۱۰. قبل از رفتن ما.

۱۱. پَنج سالِ قبل.

۱۲. قبلاً به او می‌گویم.

۱۳. روزِ بَعد.

۱۴. بعد از یک هفته.

۱۵. بعد از من.

۱۶ ــ ساعتِ ششِ بعدازظُهر.

۱۷. بعد از ساعتِ چهارِ بعدازظهر.

تمرین ۶۴

۱. مُعَلِّمِ ما هر روز ساعتِ دَه یک سیب می‌خورَد.

۲. عَلی هیچوقت گوشتِ خوک نِمی‌خورَد.

۳. رویِ این صَندَلی نَنشینید، کثیف است.

۴. چرا دستهایَت را با صابون نِمی‌شویی؟

۵. مادرِ حَمید هر روز او را به مَدرسه می‌بَرَد.

۶. چرا بچّه‌ها را با خودِتان به سینما نِمی‌بَرید؟

۷. هفتهٔ قبل او را بیشتَر از یک بار نَدیدَم.

۸. فردا کتابِتان را برایِتان می‌آوَرَم.

۹. پسَرم به من دُروغ نِمی‌گویَد.

۱۰. شُما مَعمولاً روزی چند بار دستهایِتان را می‌شویید؟

تمرین ۶۵

۱. چقدر پول دارید؟

۲. من دو هزار و پانصَد و هفتاد و شش تومان دارَم.

۳. ما چقدر وَقت داریم؟

۴. شما فقط نیم ساعت وَقت دارید.

۵. او پسرش را به کُجا می‌بَرَد؟

تمرین ۶۱

۱. [ببخشید آقا، قیمتِ این کُلاه چنده؟]

۲. قَبل از شُما دو تا خانُم آمدند اینجا و دو کیلو سیب‌زمینی خَریدَند.

۳. [آقایِ فُروشَنده، این پالتو بَرا من خِیلی گُشاده، لطفاً یه کوچیکتَر به من بِدید.]

۴. [وَلی این یکی یه کَمی تَنگه، این بَرا پسرِ من خوبه.]

۵. [ببخشید آقایِ فُروشَنده. این اَنگورا شیرینَن یا تُرش، کیلویی چنده؟]

۶. [خانُم، اَنگورِ خِیلی خوبیه، اَوَّل بِخورین بعد بِخَرید، کیلویی بیست و پَنج تومَن.]

۷. [آقایِ رانَنده، لطفاً یک کَمی تُندتر بِرید، ساعت هَشت و نیمه، فقط نیم ساعت وَقت داریم.]

۸. لطفاً نزدیکتَر بیایید وَ رویِ این صَندلی نزدیکِ خواهرِتان بنشینید.

۹. چند جُفت جوراب و چند تا زیرپوش و سه تا دُکمه برایِ من بخر.

۱۰. [این شَلوار بَرایِ شما بُلَنده، یه شلوارِ کوتاهتَر بخَرین.]

۲. این اَسبها سِفید هَستَند وَلی آن اُلاغها سیاهَند.

۳. این مادَرِ جَوان سه بَچّهٔ کوچَکِ تَمیز دارد.

۴. هَوایِ تِهران دَر تابِستان گَرم و دَر زِمِستان سَرد اَست.

۵. این خانُمِ پیر یِک پِسَرِ بیست ساله دارد.

۶. او هَشت هَفته اینجا بود.

۷. آن چایِ شیرین مالِ کیست؟

۸. این صَندَلیهایِ قَهوه‌ای مالِ اُتاق آنهاست.

۹. ایشان خانُمِ دُکتُر پروینِ صَفا هَستَند.

۱۰. گُلِ نَرگِس قَشَنگتَرینِ گُلهاست.

تمرین ۶۸

۱. این مرد.

۲. کُدام زَن؟

۳. از آن پسر.

۴. به کُدام دختر؟ [به کُدوم دختر؟]

۵. به آن اُتاق.

۶. در این کتاب. / [تو این کتاب.]

۷. کدام مداد؟ / [کُدوم مِداد؟]

۶. [چرا شما غذایِ مَن رو بَرام نِمی‌آرین؟]

۷. شما هفته‌ای چند بار مادرتان را می‌بینید؟

۸. [بِرین دَستا و صورتتون رو با صابون بِشورین.]

۹. [بیا بُخور، بعد، بُرو بِشین.]

۱۰. پِسَرتان را با خودتان بِبَرید.

۱۱. چرا او این غذایِ لَذیذ را نمی‌خورَد؟

۱۲. آنها گاهی به دیدَنِ پدَربُزُرگِشان می‌رَوَند.

۱۳. دُختَرِ بُزُرگتان چَند سال دارَد؟

۱۴. چرا شما این دامنِ قَشَنگ را بَرایِ خانُمِتان نِمی‌خرید؟

۱۵. چرا شما خواهَرتان را با خودتان نَیاوَردید؟

۱۶. پالتوِ شما چند تا دُکمه دارد؟

۱۷. شما دستهایتان را با چه / چی می‌شویید؟

۱۸. چرا او نامِ / اسمِ دوستَش را به من نِمی‌گوید؟

۱۹. تو این بشقابهایِ کثیف را کُجا می‌بَری؟

۲۰. شما مَعمولاً چه ساعتی صُبحانه می‌خورید؟

تمرین ۶۷

۱. پَریروز هَوا گَرم بود وَلی اِمشَب خُنَک اَست.

۲۶. یک زن.

۲۷. پنج زن.

۲۸. دَه دُختَر.

۲۹. سیزدَه پِسَر.

۳۰. یک ساعت.

۳۱. شِش ساعت.

۳۲. او کُجاست؟

۳۳. عَلی کجاست؟

۳۴. رویِ میز چیست؟ / چی رویِ میز است؟

۳۵. آن مَرد کُجاست؟

۳۶. آن مَرد اینجاست؟

۳۷. سگ در خانه است.

۳۸. قَلَم زیرِ [illegible] است.

۳۹. این دو [illegible]

۴۰. این دو [illegible] سه زن.

تمرین ۶۹

۱. این مادر.

۸. کدام آقا؟

۹. چه جایی؟

۱۰. رویِ چه میزی؟

۱۱. زیرِ کدام میز؟

۱۲. به کی / به چه کَسی؟

۱۳. از کجا؟

۱۴. در این باغ.

۱۵. بیا اینجا.

۱۶. بِنشین آنجا / آنجا بنشین

۱۷ بُرو به خانه / [بُرو خونه]

۱۸. یک شَب / شَبی / یک شبی / [یه شب، یه شبی.]

۱۹ یک شَب.

۲۰. یازدَه شب.

۲۱. مَردی / یک مرد / یک مَردی / [یه مَرد، یه مردی]

۲۲. یک مَرد.

۲۳ چهار مرد.

۲۴ به چه جایی؟

۲۵. یک زَن / زَنی / یک زنی.

۲۰. یک مَرد / مردی اینجا آمد.

۲۱. اسبی / یک اسب آنجا بود.

۲۲. یک گُل / گلی زیر صندلی بود.

۲۳. پنجره‌ای / یک پنجره باز بود.

۲۴. یک در / دری بسته بود.

۲۵. درِ خانه.

۲۶. پنجرهٔ اُتاق.

۲۷. این پنجره‌ها.

۲۸. پنجره‌هایِ اُتاقها.

۲۹. یک گُلدان / گُلدانی رویِ میز است.

۳۰. از این خانه به آن خانه / از این خانه تا آن خانه.

تمرین ۷۰

۱. بچّه‌ها.

۲. بچّه‌هایِ تَمیز.

۳. این دستهایِ کثیف.

۴. این دخترها.

۵. این دخترهای باهوش.

۲. آن نُه مادر.

۳. این پدر.

۴. این هَشت پدر.

۵. چه گُربه‌ای؟

۶. این گربه‌ها.

۷. این سه گربه.

۸. این چیست؟

۹. این یک قَلَم است.

۱۰. آن کیست؟

۱۱. آن یک مرد است.

۱۲. آن خانُم کیست؟

۱۳. او خانُمِ صَفاست.

۱۴. چه خانه‌ای؟

۱۵. این چه شهری است؟

۱۶. این شیراز است.

۱۷. حالا بیا اینجا.

۱۸. بابک امروز اینجاست. / امروز بابک اینجاست.

۱۹. یک بچّه / بچّه‌ای اینجاست.

تمرین ۷۱

۱. من سالِم هَستم / من سالِمَم.

۲. شما مَریضید / شما مَریض هَستید.

۳. ما خَسته‌ایم / ما خَسته هَستیم.

۴. آنها مریض و خسته هستند / آنها مریض و خسته‌اَند.

۵. او خوب و خوشحال است.

۶. عَمویَش هَنوز جَوان و شاداب / شاد است.

۷. کجایید؟ / کجا هستید؟

۸. خاله‌اَش هَمیشه غَمگین است.

۹. پدر بُزُرگَم خِیلی پیر ولی هَنوز سالِم است.

۱۰. مادَربُزُرگتان چطُور است؟

۱۱. مُتِأَسِّفَم / مُتأسِّف هَستَم.

۱۲. عمهٔ او دیروز در بیمارِستان بود.

۱۳. دایی شما حالا اینجاست.

تمرین ۷۲

۱. چه / عَجَب روزِ خوبی!

۲. او چه / عَجَب چاق است!

۶. سه شاگردِ زرَنگ و باهوش.

۷. این ماشینِ سَریع و نُو.

۸. کُدام ماشین قِرمِز؟

۹. رانَندهٔ زِرَنگ.

۱۰. کدام رانندهٔ زرنگ؟

۱۱. یک قَطارِ سَریع / قَطارِ سَریعی / یک قطارِ سَریعی.

۱۲. یک دوستِ نَزدیک.

۱۳. کُدام قطارِ سَریع به اَهواز می‌رَوَد؟

۱۴. رانَندهٔ عَصَبانی دوباره آمَد.

۱۵. کی دوباره آمَد؟

۱۶. دیروز و امروز.

۱۷. تُند / سریع بیا و آهِسته بُرو.

۱۸. انگورهای تُرش و اَنارهای شیرین.

۱۹. یک سَگِ تِشنه و یک گربهٔ گُرُسنه / سگ تشنه‌ای و گربهٔ گرسنه‌ای.

۲۰. هَوای سَرد و آب گَرم.

۲۱. یک معلّمِ باسَواد و مِهرَبان / معلّمِ باسواد و مهرَبانی.

۳. ما خودِمان در بیمارستان بودیم.
۴. عَلی خودَش رویِ این صَندَلی می‌نشینَد.
۵. تو خودَت به یَزد آمَدی.
۶. آنها خودشان به کِرمان رفتَند.
۷. خودِ تو از لَبَنیاتیِ نزدیکِ خانه‌تان شیر و کَره خریدی.
۸. آقایِ دُکتُر صَفا خودتان هستید؟
۹. صَندَلیِ شما رَنگَش سفید است.
۱۰. خانهٔ خودِ او در آبادان است ولی مالِ برادرَش در چه شهری است؟

تمرین ۷۴

۱. پِسَرم هرروز به مَدرسه می‌رَوَد.
۲. من کی هَستَم / من کیَم؟
۳. او مادرَش بیمار است.
۴. پدرِ تو پیرتَر از پدرِ من است.
۵. خواهرِ زَهرا زیباتَر از لِیلاست.
۶. سیما فداکارتَرین زنِ روستایِ ماست.
۷. این دو برادَر هر هَفته به مَغازهٔ من می‌آیَند.

۳. عَجَب / چه راهِ خَسته‌کُنَنده و درازی!

۴. این میز چه /عَجَب سَنگین است!

۵. چه خوب است!

۶. شُما دو کیلو عَسَل خریدید.

۷. چه کتابی خریدید؟

۸. کدام ماشین تُندتَر می‌رَوَد؟

۹. کُدام مَغازه به اِدارهٔ شما نزدیکتَر است؟

۱۰. این گُلابیِ کال / نارَس مال کیست؟

۱۱. این مردِ جوانِ باهوش پسَرِ آقایِ حَسَنی است.

۱۲. این سیبهای تُرش مالِ باغ عَمویِ / داییِ من است.

۱۳. این کَفشهای کُهنه مالِ کی‌اَند / کی هَستَند، مالِ شما یا مالِ او؟

۱۴. آنها از کُدام میوه‌فروشی میوه می‌خَرَند؟

۱۵. ما تا کُجا می‌رَویم؟

تمرین ۷۳

۱. من خودَم آنجا بودم.

۲. شما خودِتان آمدید.

۱۰. آقایِ ایزَدی و خانُمِشان دوستِ ما هَستَند

تمرین ۷۶

۱. نَه، او دوستِ مهری‌خانم است.

۲. مِهری‌خانم برایِ سیماخانم آب پُرتِقال خُنَک آوَرد.

۳. آنها به فروشگاه قدس رَفتَند.

۴. با هیچکُدام، آنها پیاده رَفتَند.

۵. سیما در خانهٔ مهری آب پُرتِقال خورد.

۶. سیما چند تا شورت وزیرپوش برایِ پسرش خرید.

۷. اسمِ دخترِ مهری فریده است.

۸. سیما بیشتَر از مهری پول داشت.

۹. او به مهری هیچ پول نداد.

۱۰. او یک جُفت کفش برایِ خودش خرید.

۱۱. اندازهٔ پایِ سیما چهل است.

۱۲. او کفشِ صورتی خرید.

۱۳. فروشگاهِ قدس کفش سفید نَداشت / فروشگاه **کفش** سفید نَداشت.

۱۴. قیمت آن کفش سیصدوهشتاد و پنج تومن بود.

۸. شما و دخترِتان دیروز از ساعتِ نُه و دَه دَقیقه تـا ساعتِ ده و بیست دَقیقه در ادارهٔ من بودید.

۹. من و پسرَم به آنجا رفتیم و دَر حُدودِ یک ساعت نِشَستیم.

۱۰. دیروز چه کَسی اینجا بود؟

۱۱. مُتِأسّفانه بیشتَرِ مَردُمِ جَهان بی‌سوادَند / بی‌سواد هَستَند.

۱۲. چه جایی بهتر از اینجاست؟

۱۳. چرا شما هَمیشه از این فروشگاه کَفش می‌خَرید؟

تمرین ۷۵

۱. ناصِر بِهتَرین دانِشجویِ دانِشگاهِ اَهواز است.

۲. مَغازِهٔ اَکبَر دورتَرین دُکّان به خیابانِ ماست.

۳. مُرداد گَرمتَرین ماهِ سال است.

۴. فُروشگاهِ قُدس بُزُرگتَرین مَغازهٔ این شَهر است.

۵. مَردُم در فَصلِ زِمستان خُرما بیشتَر می‌خَرَند.

۶. بِهزاد هَمیشه رویِ این صَندَلی می‌نشینَد.

۷. تو دَوازدَه سال کوچَکتَر از مَن هَستی.

۸. خیارِ مَن تَلخ است.

۹. بِبَخشید، نامِ کِشوَرِ شُما چیست؟

واژه‌نامه

Vocabulary

فارسی ـ انگلیسی

آ

آب	water
آباد	habitable
آبادان	A city in the south of Iran
آب پُرتِقال	orange juice
آبدار	juicy
آبی	blue
آدرِس	address
آذَر	9th Iranian month
آراء	votes
آرد	flour
[آره]	yes
آز	greed
آزاد	free
آزادی	freedom
آزار	harm
آقا	gentleman, sir, Mr
آمَدَن	to come
آمریکا	America
آن [اون]	that, it
آنجا [اونجا]	there
آوَردَن	to bring
آه	sigh

اِمشَب	tonight
آنار	pomegranate
اَندازه	size, measurement
اِنگِلیس	England
اَنگور	grape
او	he, she
اَوصاف	descriptions
اُوضاع	state of affairs
اُوقات	times
اَوَّل	first
اَهواز	A city in the south of Iran
ایتالیا	Italy
ایجاد	creation
ایراد	objection
ایران	Iran
ایشان [ایشون]	they
اِیکاش!	, only!
این	this
اینجا	here
اِیوان [اِیوون]	portico

ب

با	with
باب	fit
بابا	dad
بابَک	A male name
باد	wind
بار	time/s
باران [بارون]	rain
باز [واز]	open
بازار	bazaar, market
باسَواد	learned, literate
باشه	O K
باغ	garden
باهَم	together
باهوش	intelligent
بِبَخشید [ببخشین]	Excuse me

آهِسته	slow, slowly, gently
آهَن	iron

ا

اِبا	refusal
اَبر	cloud
اَبرو	eyebrow
اُتاق	room
اُتوبوس	bus
اَثاث	furniture
اِحتِرام	respect
اِحتِضار	point of death
اَحمَد	A male name
اِداره	office
اِرادَت	devotion
اَرباب	employer
اَرزان [اَرزون]	cheap
اَز	from, of, since
اَژدَر	torpedo
اَژدَها	dragon
اَسب	horse
اُستاد	professor
اِستِکان	A small cup for tea
اِسم	noun, name
اِضافه	genetive
اِضطِراب	disturbance of mind
اِطّلاعات	information
اعاده	returning, return
اَغلَب	often very often
اَفشین	A male name
اُفُق	horizon
اَکبَر	A male name
اُلاغ	ass, donkey
اَلِفبا	alphabet
اِمروز	today
اِمروز صُبح	this morning
اِمسال	this year

بیشترِ most of

بیمار sick, ill

بیمارِستان hospital

پ

پا foot

پارسال last year

پالتُو coat, overcoat

پانزدَه fifteen

پانصَد five hundred

پاییز automn

پِدَر father

پِدَر بُزُرگ grandfather

پَرتاب violent throw

پُرتقال orange

پروین A female name

پَریروز the day before yesterday

پِسَر son, boy

پَس فَردا the day after tomorrow

پُلیس police

پَنج five

پَنجاه fifty

پَنجِره window

پَنهان hidden

پَنیر cheese

پوست skin

پول money

پیاده on foot

پیاز onion

پیچ screw

پیر old

پیراهَن [پیرَن] shirt

پیژامه pyjamas

ت

تا till, to, so that

تابان shining

تابِستان [تابِستون] summer

بَچّه	child
بَد	bad
بَرادَر	brother
بَرّاق	shining
بَرایِ	for
بَرائَت	acquittance
بُردَن	to take away, to carry
برف	snow
بَرق	electricity
بَرگ	leaf
بِرِنج	rice
بُرُو	go
بُزُرگ	big, large , great
بَزم	feast
بَسته	closed, shut
بُشقاب	plate
بَعد	next, then
تَقاضا	request

بَعداً	later, then
بَعداَز	after
بَعداَزظُهر	afternoon
بُلَند	long, high
بَله	yes
بَنده	I
بودَن	to be
بوقَلمون	turkey
به	to
بَهار	spring
بَه بَه!	lovely, how nice!
بِهزاد	A male name
به نَظَرِ شُما	in your opinion
بیا	come
بیچاره	helpless
بیست [بیس]	twenty
بیسَواد	illiterate
بیشتَر	more

جَوان [جَوون]	young, youth
جوراب	sock, stocking
جَهان	world
جیب	pocket

چ

چادُر	veil
چاق	fat
چای [چایی]	tea
چَپ	left
چرا؟	why?
چراغ	lamp
چَشم [چِشم]	eye
چَند [چَن]	few, how many?
چند تا [چَن تا]	few, how many?
چَندین	several, many
چَنگال	fork
چه؟	what?
چَهار [چار]	four
چِطور؟	how?
چِقَدر [چِقَد]؟	how much?
چِهِل [چِل]	fourty
چی؟	what?
چیز	thing
چیست؟	what is (it)?

ح

حاضِر	ready
حال	condition (of health), present
حالا	now
حالِ اِخباری	present indicative tense
حائِز	possessing
حَرارَت	heat
حِرص	greed
حَرفِ اِضافه	preposition
حَمّام	bathroom
حَمید	A male name
حِیوان [حِیوون]	animal

تار	dark
تازه	fresh
تاکسی	taxi
تبریز	A city in the north of Iran
تُخمِ مُرغ	egg
تُرش	sour
تُرکیه	Turkey
تِشنه	thirsty
تَقریباً	nearly, almost, about
تَلخ	bitter
تَمام	all
تَمامِ	all of
تَمرین	exercise
تَمیز	clean, tidy
تُند	fast, quick, quickly
تَنگ	tight
تُو	you (sing.)
تو	in, into, inside
تَوَلُّد	birth
تومان [تومَن]	Toman (Iranian currency)
تويِ [تو]	in, into, inside

ث

ثابِت	constant
ثانیه	second
ثَروَت	wealth
ثُلث	one third
ثَمَره	offspring
ثَواب	spiritual reward

ج

جا	place
جان	dear (after proper names)
جَریان	matter, story
جُفت [جُف]	pair
جَمع	plural
جُمله	sentence
جَواب	answer

د

دادَن	to give
دار	gallows
داشتَن	to have
داغ	hot
دامَن	skirt
دانا	wise
دانِشجو	university student
دانِشگاه	university
داوَری	A surname
دایی	uncle (maternal)
دَبِستان	elementary school
دَبیرِستان	secondary school
دُختَر	daughter, girl
دَر	in, into, at
دَر	door
دِراز	long
دَر حُدودِ	about, nearly
دِرَخت	tree
دَرد	pain
دَرس	lesson
دُروغ	lie
دَست	hand
دَستکِش [دَسکِش]	glove
دَستمال [دَسمال]	handkerchief
دَفتَر	notebook
دَفعه [دَفه]	time (s)
دَقیقه [دَیقه]	minute
دُکّان [دُکون]	shop
دُکتُر	doctor, Dr
دُکمه [دُگمه]	button
دَندان	tooth
دُو	two
دَوا	medicine, drug
دَوازدَه	twelve
دُوبار	twice

خ

خار	thorn
خاله	aunt (maternal)
خانُم	lady, madam, wife
خانه [خونه]	house, home
خُداحافِظ	good bye
[خُدا رو شُکر]	thank God!
خُدا نِگهدار	good bye
خَر	donkey, ass
خَربُزه	melon
خُرداد	3 rd Iranian month
خُرما	date (fruit)
خَرید	shopping
خَریدَن	to buy
خَسته	tired
خَسته کُنَنده	tiresome
خُنَک	cool
خوار	humble
خواربارفُروشی	grocery shop
خواهَر	sister
خوب [خُب]	good, well, nice
[خوبه]	all right
خُود	self
خُوراک	dish
خُوردَن	to eat
خُوش آمدَید!	You are welcome!
خُوشبَختانه	fortunately
خُوشحال	happy
خُوشوَقت	happy, pleased
خُوک	pig
خویش	relative
خیابان[خیابون]	street, avenue, road
خیار	cucumber
خیس	soaked
خیش	ploughshare
خِیلی	very, very much, a lot

ریز	tiny, very small

ز

زار	miserable
زَبان [زَبون]	language
زَر	gold
زَرد	yellow
زِرَنگ	clever
زِشت	ugly
زِمستان [زِمستون]	winter
زَن	woman, wife
زِندان [زِندون]	prison
زود	early, quick
زَهرا	A female name
زیاد	much, many, plenty
زیبا	beautiful
زیر	underneath
زیرِ	under, beneath
زیرپوش	vest

ژ

ژاله	A female name
ژُنده	shabby

س

ساعَت	hour, watch, clock
سال	year
سالاد	salad
سالار	A surname
سالِم	healthy
سَبز	green
سَبزی‌فُروشی	green grocery shop
سَبُک	light (weight)
سِتاک	stem, root
سِتاکِ حال	present stem
سِتاکِ گُذَشته	past stem
سَر	head
سُرخ	red
سَرد	cold

دُوباره	again
دُو دَفعه	twice
دُور	cycle
دور	far away, distant
دُوره	review
دوست	friend
دَه	ten
دیدَن	to see
دیر	late
دیروز	yesterday
دیروز صُبح	yesterday morning
دیشَب	last night
دیکته	dictation

ذ

ذَرّه	particle

ر

را	direct object postposition
راجی	A surname
راز	secret
رازدار	faithful to a secret
راست	right, truth
رانَنده	driver
راه	road, way
رُبع	quarter
رَزم	fight
رَشت	A city in the north of Iran
رِضا	A male name
رَفتَن	to go
رَنگ	colour
رو	top, surface
روز	day
روستا	village
روسَری	headdress
رُوغَن	cooking oil
رویِ [رو]	on
ریال	Rial (Iranian currency)

شلوار	trousers
شُما	you
شِناسهٔ صرفی	conjugational ending
شور	salty
شُور	consultation
شُورت	pants
شورِش	rebelion
شُوهَر	husband
شَهر	city
شیر	milk
شیرین	sweet

ص

صابون	soap
صاعِقه	thunderbolt
صُبح [صُب]	morning
صُبحانه	breakfast
صُبح بِخیر	good morning
صَحیح [صَحی]	correct, true
صَد	hundred
صِدا	sound
صِفَت	adjective
صِفَتِ بَرتَر	comparative adjective
صِفَتِ بَرتَرین	superlative adjective
صُلح	peace
صَندَلی	chair
صورَت	face
صورَتی	pink

ض

ضِدّ	opposed
ضَرب	multiplication
ضَرَر	loss
ضَمیر	pronoun
ضَمیرِ مِلکی	possessive pronoun

ط

طَرّاح	designer
طَرد	reject

سُرفه	cough
سَریع	fast, quick
سَعی	effort
سِفید	white
سَگ	dog
سَلام	hello!
سلام عَلیکُم	hello!
سَنگین	heavy
سوپ	soup
سوت	whistle
سوراخ	hole
سوزَن	needle
سه	three
سَهل	easy
سی	thirty
سیاه	black
سیب	apple
سیب‌زَمینی	potato
سیزدَه	thirteen
سینما	cinema
سینی	tray

ش

شاد	chearful
شاداب	chearful, joyful
شاگِرد	student, pupil
شام	supper
شانزدَه [شونزدَه]	sixteen
شاهِد	witness
شَب	night, evening
شَرور	wicked
شُستَن	to wash
شِش [شیش]	six
شَصت	sixty
شِکایَت	complaint
شِکَر	sugar
شِکوفه	blossom

فِعلِ اَمر	imperative
فَقَط	only
فِنجان [فِنجون]	cup
فَوَران	eruption

ق

قارچ	mushroom
قاشُق	spoon
قاضی	judge
قَبل	ago, before
قَبلاً	already
قَبل اَز	before
قَرائت	reading
قُربانِ شُما	good bye, thank you
قِرمِز	red
قَشَنگ	pretty, nice, beautiful
قَصّابی	butcher's shop
قَضا	fate
قَطار	train
قَطع	cutting
قِطعه	piece
قَلَم	pen
قَنّاد	confectioner
قَند	cube – sugar
قَنداغ	hot water with sugar
قَندان [قَندون]	sugarbowl
قوری	teapot
قهوه	coffee
قَهوه‌ای	brown
قِیمت	price

ک

کار	work
کارد	knife
کاغَذ	paper
کال	unripe
کاهو	lettuce
کُت	Jacket

طَرز	mode

ظ

ظاهِر	appearance
ظُهر	noon, midday

ع

عاج	ivory
عادَت	habit
عار	shame
عَسکَری	A surname
عَسَل	honey
عَصَبانی	angry
عَصر	evening
عَلی	A male name
عمارت	building
عَمو	uncle (paternal)
عَمّه	aunt (paternal)
عِید	festival

غ

غَذا	food
غَمگین	sad

ف

فارسی	Persian
فاعِل	agent
فداکار	devoted
فَرانسه	France
فَردا	tomorrow
فَردا صُبح	tomorrow morning
فَردا ظُهر	tomorrow midday
فَردا عَصر	tomorrow evening
فُرودگاه	airport
فُروشگاه	departmental stores
فُروشَنده	seller
فَرهاد	A male name
فَریده	A female name
فِعل	verb

گُربه	cat
گَردِش	walking
گَردَن	neck
گِردو	walnut
گُرُسنه	hungry
گُرگ	wolf
گَرم	warm
گُشاد	loose, loose – fitting
گُفتَن	to say, to tell
گُفت و شِنود	dialogue
گُل	flower
گُلابی	pear
گُلدان	vase
گُوجه فَرَنگی	tomato
گُود	deep
گُودال	pit
گوساله	calf
گوسفَند	sheep
گوش	ear
گوشت	meat
گوشتِ گاو	beef
گوشتِ گوساله	veal
گوشتِ گوسفَند	mutton
گوشی	hold on
گیلاس	cherry
گیلان	A northern province in Iran

ل

لاغَر	thin
لال	dumb
لاله	tulip
لَب	lip
لِباس	dress, clothe(s)
لَبَنیاتی	dairy shop
لَذیذ	delicious
لُطف	kindness
لُطفاً	please

کِتاب	book
کَثیف	dirty
کُجا؟	where?
کُدام [کُدوم]؟	which?
کِراوات	tie
کُرک	soft wool
کِرم	worm
کِرمان	A city in the south of Iran
کَره	butter
کَسی	anybody
کِشوَر	country
کَفش	shoe
کُلاه	hat
کِلید	key
کَم	little, few
کُمَک	help
کَمی	a little
کوتاه	short

کوچَک [کوچیک]	small
کوچه	lane,alley
کُودَن	dull
کور	blind
کوک	wound up
کوکب	star
کُهنه	old
کِی؟	when?
کی؟	who?
کیست؟	who is (it)
کیلو	kilo
کیلومِتر	kilometer
کِیوان	A surname

گ

گاو	cow
گاهی	sometimes
گذشتهٔ سادِه	simple past tense
گِران [گِرون]	expensive

مَمنون	grateful
مَن	I
مَنزِل	home, house
مَنع	prohibition
مَنفی	negative
مُو	vine
مو	hair
مُوافِق	agreeable
مُوافِقَت	agreement
مُوز	benana
مُوضوع	matter, story, subject
مُوعِظه	preaching
مُوقِع	occasion, time
مِهرَبان [مِهرَبون]	kind
مِهمان [مِهمون]	guest
مِهماندار	hostess
مُهَندِس	engineer
میخ	nail
مِیدان [مِیدون]	square
میز	able
میلیون [مِلیون]	nillion
میوه	ruit

ن

ناب	ure
ناباب	nfit
نادان	gnorant
نادِر	male name
نارَس	nripe
نارِنگی	angerine
نازا	arren
ناصِر	male name
نام	ame
نامه	tter
نان [نون]	read
نانوایی [نونوایی]	akery
ناهار	nch

لوس	spoiled
لیمو	lemon
لیوان	glass

م

ما	me
مادَر	mother
مادَر بُزُرگ	grandmother
ماست [ماس]	yoghurt
ماشین	car
ماه	month, moon
ماهی	fish
مُبارَکه!	congratulation!
مُتِأَسَّف	sorry
مُتِأَسَّفانه	unfortunately
مُتِشَکِّر	thankful
مَجید	A male name
مِداد	pencil
مَدرِسه	school
مَرحَمَت	favour
مَرد	man
مَردُم	people
مَرَض	disease
مُرغ	chicken
مَریض	sick, ill
مَصدَر	infinitive
مَعرِفه	definite
مُعَلِّم	teacher
مَعمولاً	usually
مَغازه	shop, store
مَغز	brain
مُفرَد	singular
مَفعول	object (of the verb)
مَفعولِ صَریح	direct object
مَفعولِ غیرِ صَریح	indirect object
مِقدار	quantity
ملافه	sheet

هَستَن	to exist, to be
هَشت	eight
هَشتاد	eighty
هَفت	seven
هَفتاد	seventy
هَفته	week
هِفدَه [هیودَه]	seventeen
هُلو	peach
هَم	too, also
هَمخوان	consonant
هَمه	all
هَمیشه	always
هَمهَمه	uproar
هَمین	the same
هِند	India
هِندوانه [هِندونه]	water-melon
هُنَر	art
هَنوز	still, yet
هَوا	weather, air
هَواپیما	aircraft
هیچ	none, any
هیچ چیز	nothing, anything
هیچکُدام	none of them
هیچکَس	no one, anybody
هیچوَقت	never

ی

یا	or
یاری	assistance
یازدَه	eleven
یاس	jasmin
یَخه [یَقه]	collar
یَزد	A city in the center of Iran
یَعنی	namely
یِک	one, a
یِک بار	once
یِک دَفعه	once
یَواش	slowly, gently

ناهید	A female name
نَرگِس	narcissus
نَزدیک	near, close
نِشَستَن	to sit
نِصف	half
نِظام	discipline
نَظم	order
نَعره	roar
نَعلبَکی [نَلبَکی]	saucer
نَعناع	spearmint
نَکَره	indefinite
نُو	new
نَوَد	ninety
نُوزاد	new born child
نوزدَه	nineteen
نُه	nine
نَه	no
نخیر	no

نِی	flute, cane
نیم	half

و

وَ	and
وارگان	vocabulary
واژه	word
واکه	vowel
وِراثَت	inheritance
وَقت	time
وَقف	pious foundation
وَلی	but

ه

هِجدَه	eighteen
هِجرِیِ شَمسی	Hegira – solar
هَر	every
هَر روز	everyday
هَر کَسی	everybody, anybody
هِزار	thousand

واژه‌نامه

Vocabulary

انگلیسی ـ فارسی

A

a	یک	ago	قَبل
Abadan (city)	آبادان	agreeable	مُوافِق
about	دَرحُدودِ، تَقریباً	agreement	مُوافِقَت
acquittance	بَرائت	Ahmad (name)	اَحمَد
address	آدرِس	Ahvaz (city)	اَهواز
adjective	صِفَت	air	هَوا
Afshin (name)	اَفشین	aircraft	هَواپیما
after	بَعدأز	airport	فُرودگاه
afternoon	بَعدازظُهر	Akbar (name)	اَکبَر
again	دوباره	Ali (name)	عَلی
agent	فاعِل	a little	کَمی

Behzad (name)	بِهراد
benana	مُور
big	بُزُرگ
birth	تَوَلُّد
bitter	تَلخ
black	سیاه
blind	کور
blossom	شِکوفه
blue	آبی
book	کِتاب
boy	پِسَر
brain	مَغز
brother	بَرادَر
bread	نان [نون]
breakfast	صُبحانه
brown	قَهوه‌ای
bus	اُتوبوس
but	وَلی
butcher's shop	قَصّابی
butter	کَره
button	دُکمه

C

calf	گوساله
cane	نِی
car	ماشین
cat	گُربه
chair	صَندَلی
cheap	اَرزان [اَرزون]
chearful	شاداب، شاد
cheese	پَنیر
cherry	گیلاس
chicken	مُرغ
child	بَچه
cinema	سینِما
city	شَهر
clean	تَمیز

all	هَمه، تَمام	art	هُنَر
all of	هَمهٔ، تَمام	ass	خَر، اُلاغ
all right	[خوبه]	assistance	یاری
almost	تقریباً	at	دَر
alphabet	اَلِفبا	aunt	عَمّه، خاله
already	قَبلاً	automn	پاییز
also	هَم	avenue	خیابان
always	هَمیشه	Azar (month)	آذَر
America	آمریکا		

B

and	وَ	Babak (name)	بابَک
angry	عَصَبانی	bad	بَد
animal	حِیوان [حِیوون]	bakery	نانوایی [نونوائی]
answer	جَواب	barren	نازا
any	هیچ	bathroom	حَمّام
anybody	هیچکَس، کَسی	bazaar	بازار
anything	هیچ چیز	beautiful	زیبا، قَشَنگ
appearance	ظاهِر	beef	گوشتِ گاو
apple	سیب	before	قَبل، قَبل اَز

dark	تار
date (fruit)	خُرما
daughter	دُختَر
Davari (surname)	داوَری
day	روز
dear (after names)	جان
deep	گود
definite	مَعرِفه
delicious	لذیذ
departmental store	فُروشگاه
description	اُوصاف
designer	طَرّاح
devotion	ارادت
dialogue	گفت و شِنود
dictation	دیکته
direct object	مَفعولِ صَریح
dirty	کَثیف
disease	مَرَض
discipline	نِظام
dish	خوراک
distant	دور
disturbance of mind	اِضطِراب
dog	سَگ
doctor, Dr	دُکتُر
donkey	اُلاغ، خَر
door	دَر
dragon	اِژدِها
dress	لِباس
driver	رانَنده
dull	کُودَن
dumb	لال

E

ear	گوش
early	زود
easy	سَهل
effort	سَعی

clever	زِرَنگ
clock	ساعَت
close	نَزدیک
closed	بَسته
clothe	لِباس
cloud	اَبر
coat	پالتو
coffee	قَهوه
cold	سَرد
collar	یَخه [یَقه]
colour	رَنگ
come	بیا
comparative adjective	صِفَتِ بَرتَر
complaint	شِکایَت
condition (of health)	حال
confectioner	قَنّاد
congratulation!	مُبارَکه!
conjugational ending	شناسه‌صَرفی
consonant	هَمخوان
constant	ثابِت
consultation	شُور
cooking oil	رُوغَن
cool	خُنَک
correct	صَحیح
cough	سُرفه
country	کِشوَر
cow	گاو
creation	ایجاد
cube-sugar	قَند
cucumber	خیار
cup	فِنجان [فِنجون]
cutting	قَطع
cycle	دُور

D

dad	بابا
dairy shop	لَبَنیاتی

fight	رَزم
first	اَوَّل
fish	ماهی
fit	باب
five	پَنج
five hundred	پانصَد [پونصَد]
flour	آرد
flower	گُل
flute	نِی
food	غَذا
foot	پا
for	بَرایِ
fork	چَنگال
fortunately	خوشبَختانه
four	چَهار [چار]
fourty	چِهِل [چِل]
France	فَرانسه
fresh	تازه
friend	دوست
free	آزاد
freedom	آزادی
from	اَز
fruit	میوه
furniture	اَثاث

G

gallows	دار
garden	باغ
genetive	اضافه
gentleman	آقا
Gilan (province)	گیلان
girl	دُختَر
glass	لیوان
glove	دَستِکش [دَسکش]
go	بُرُو
gold	زَر
good	خوب

egg	تُخمِ مُرغ
eight	هَشت
eighteen	هِجدَه [هیجدَه]
eighty	هَشتاد
electricity	بَرق
elementary school	دَبِستان
eleven	یازدَه
employer	اَرباب
engineer	مُهَندِس
England	اِنگِلیس
eruption	فَوَران
evening	عَصر، شَب
every	هَر
everybody	هَرکَس، هَرکَسی
everyday	هَر روز
excuse me!	بِبَخشید!
exercise	تَمرین
expensive	گِران [گِرون]
eye	چَشم [چِشم]
eyebrow	اَبرو

F

face	صورَت
faithful (to a secret)	رازدار
far away	دور
Farhad (name)	فَرهاد
Faride (name)	فَریده
fast	سَریع، تُند
fat	چاق
fate	قَضا
father	پِدَر
favour	مَرحَمَت
feast	بَزم
festival	عِید
few	چَند، چَند تا [چَن، چَن‌تا]
fifteen	پانزدَه [پونزدَه]
fifty	پَنجاه

hold on!	گوشی!
hole	سوراخ
home	خانه [خونه]، مَنزِل
honey	عَسَل
horizon	اُفُق
horse	اَسب
hospital	بیمارِستان
hostess	مِهماندار
hot	داغ
hour	ساعَت
house	خانه [خونه]
how?	چِطور
how many?	چَند؟ چَندتا؟
how much?	چِقَدر [چِقَد]؟
humble	خوار
hundred	صَد
hungry	گُرُسنه [گُشنه]
husband	شُوهَر

I

I	مَن، بَنده
if only!	اِیکاش
ignorant	نادان
ill	بیمار، مریض
illiterate	بیسَواد
imperative	فِعلِ اَمر
in	دَر، [تو]
indefinite	نَکَره
India	هِند
indirect object	مَفعولِ غِیرِ صَریح
infinitive	مَصدَر
information	اِطّلاعات
inheritance	وِراثَت
intelligent	باهوش
into	دَر، [تو]
Iran	ایران
Iran (name)	ایران

good bye خُداحافِظ، خُدانِگَهدار،
good morning صُبح بِخیر
grandfather پِدَر بُزُرگ
grandmother مادَر بُزُرگ
grape اَنگور
grateful مَمنون
great بُزُرگ
greed حِرص، آز
green سَبز
green–grocery shop سَبزی‌فُروش
grocery shop خواربار فُروشی
guest مِهمان [مِهمون]

H

habit عادَت
habitable آباد
hair مو
half نِصف، نیم
Hamid (name) حَمید

hand دست
handkerchief دَستمال [دَسمال]
happy خوشحال، خوشوَقت
harm آزار
hat کُلاه
he او
head سَر
headdress روسَری
healthy سالِم
heat حَرارَت
heavy سَنگین
Hegira–solar هِجریِ شَمسی
hello! سَلام! سَلامٌ عَلِیکُم!
help کُمَک
helpless بیچاره
here اینجا
hidden پَنهان
high بُلند

light	سَبُک
lip	لَب
literate	باسَواد
little	کَم
long	دِراز، بُلَند
loose, loose–fitting	گُشاد
loss	ضَرَر
lovely!	خوب، بَه‌بَه
lunch	ناهار

M

madam	خانُم
Majid (name)	مَجید
man	مَرد
many	زیاد، چَندین
matter	جَریان، مُوضوع
meat	گوشت
medicine	دَوا
melon	خَربُزه
milk	شیر
million	میلیون [مِلیون]
minute	دَقیقه [دَیقه]
miserable	زار
mode	طَرز
money	پول
month	ماه
moon	ماه
more	بیشتَر
morning	صُبح [صُب]
most of	بیشتَرِ، اَغلَبِ
mother	مادَر
much	زیاد، خِیلی
multiplication	ضَرب
mushroom	قارچ
mutton	گوشتِ گوسفَند

N

Nader (name)	نادِر

iron	آهَن
it	آن [اون]
Italy	ایتالیا
ivory	عاج

J

jacket	کُت
jasmin	یاس
juicy	آبدار

K

Kerman (city)	کِرمان
key	کِلید
Keyvan (surname)	کِیوان
Khordad (month)	خُرداد
kilo	کیلو
kilometer	کیلومِتر
kind	مِهرَبان [مِهرَبون]
kindness	لُطف
knife	کارد

L

lady	خانُم
lamp	چِراغ
lane	کوچه
language	زَبان
large	بُزُرگ
last night	دیشَب
last year	پارسال
late	دیر
later	بَعداً
leaf	بَرگ
learned	باسَواد
left	چَپ
lemon	لیمو
lesson	دَرس
letter	نامه
lettuce	کاهو
lie	دُروغ

often	اَغلَب
old	پیر، کُهنه
on	روی
once	یک‌بار، [یه‌بار]، یک دَفعه
one	یِک
one third	ثُلث
on foot	پیاده
onion	پیاز
only	فَقَط
open	باز [واز]
opposed	ضِدّ
or	یا
orange	پُرتِقال
orange juice	آبِ پُرتِقال
order	نظم

P

pain	دَرد
pair	جُفت [جُف]
pants	شُورت
paper	کاغَذ
particle	ذَرّه
Parvin (name)	پَروین
past stem	سِتاکِ گُذَشته
peach	هُلو
peace	صُلح
pear	گُلابی
pen	قَلَم
pencil	مِداد
people	مَردُم
Persian	فارسی
piece	قِطعه
pig	خوک
pink	صورَتی
pit	گودال
place	جا
plate	بُشقاب

Nahid (name)	ناهید
nail	میخ
name	نام، اِسم
namely	یَعنی
narcessus	نَرگِس
Naser (name)	ناصِر
near	نَزدیک
nearly	تَقریباً، در حُدودِ
neck	گَردَن
needle	سوزَن
negative	مَنفی
never	هیچوَقت
new	نُو
new – born child	نُوزاد
next	بَعد
nice	خوب، قَشَنگ
night	شَب
nine	نُه

nineteen	نوزدَه
ninty	نَوَد
no	نَه، نَخِیر
none	هیچ
none of them	هیچکُدام
noon	ظُهر
no one	هیچکَس
notebook	دَفتَر
nothing	هیچ چیز
now	حالا

O

object (of the verb)	مَفعول
objection	ایراد
occasion	مُوقِع
of	اَز
office	اِداره
offspring	ثَمَره
O K	باشه

rebellion	شورِش
red	قِرمِز، سُرخ
refusal	اِبا
reject	طَرد
relative	خویش
request	تقاضا
respect	اِحتِرام
returning	اِعاده
review	دُوره
Reza (name)	رِضا
Rial	ریال
rice	بِرِنج
right	راست
road	راه، خیابان [خیابون]
roar	نَعره
room	اُتاق

S

sad	غَمگین
salad	سالاد
Salar (surname)	سالار
salty	شور
saucer	نَعلبَکی [نَلبَکی]
school	مَدرِسه
screw	پیچ
second	ثانیه
secondary school	دَبیرستان
secret	راز
self	خُود
seller	فُروشَنده
sentence	جُمله
seven	هَفت [هَف]
seventeen	هِفدَه [هیودَه]
seventy	هَفتاد
several	چَندین
shabby	ژنده
shame	عار

please!	لُطفاً
pleased	خوشوَقت
plenty	زیاد، خِیلی
ploughshare	خیش
plural	جَمع
pocket	جیب
police	پُلیس
pomegranate	انار
portico	ایوان [ایوون]
possessing	حائز
possessive pronoun	ضَمیرِ مِلکی
potato	سیب‌زَمینی
preaching	مَوعظه
preposition	حَرفِ اضافه
present indicative	حالِ اخباری
present stem	ستاکِ حال
pretty	قَشَنگ
price	قیمَت
prison	زِندان [زِندون]
professor	اُستاد
prohibition	مَنع
pronoun	ضَمیر
pupil	شاگِرد
pure	ناب
pyjamas	پیزامه [پیجامه]

Q

quantity	مقدار
quarter	رُبع
quick	تُند، سَریع
quickly	تُند

R

rain	باران [بارون]
Rai (surname)	راجی
Rasht (city)	رَشت
reading	قَرائت
ready	حاضِر

spoiled	لوس
spoon	قاشُق
spring	بَهار
square	مِیدان [مِیدون]
state of affairs	أوضاع
stem	سِتاک
still	هَنوز
stocking	جوراب
store	مَغازه، دُکّان، فُروشگاه
story	جَریان، مُوضوع
street	خیابان [خیابون]
student	شاگِرد
subject	مُوضوع
sugar	شِکَر
sugarbowl	قَندان [قَندون]
summer	تابِستان [تابِستون]
superlative adjective	صِفَتِ بَرتَرین
supper	شام
surface	رو
sweet	شیرین

T

table	میز
Tabriz (city)	تَبریز
tangerine	نارِنگی
taxi	تاکسی
tea	چای [چایی]
teacher	مُعَلِّم
teapot	قوری
ten	دَه
thankful	مُتِشَکِّر، مَمنون
that	آن [اون]
the day after tomorrow	پَس فَردا
the day before yesterday	دیروز
then	بَعد، بَعداً
there	آنجا [اونجا]
the same	هَمین

she	او
sheep	گوسفَند
shining	بَرّاق
shirt	پیراهَن [پیرَن]
shoe	کَفش
shop	دُکّان [دُکون]، مَغازه
shopping	خَرید
short	کوتاه
shut	بَسته
sick	بیمار، مَریض
sigh	آه
simple past tense	گذشتهٔ ساده
since	اَز
singular	مُفرَد
sir	آقا
sister	خواهَر
six	شِش [شیش]
sixteen	شانزدَه [شونزدَه]
sixty	شَصت
size	اَندازه
skin	پوست
skirt	دامَن
slow	آهِسته، یَواش
slowly	یَواش
small	کوچَک [کوچیک]
snow	بَرف
soaked	خیس
soap	صابون
soft wool	کُرک
sometimes	گاهی
son	پِسَر
sorry	مُتِأسَّف
sound	صِدا
soup	سوپ
sour	تُرش
spearmint	نَعناع

tomato	گُوجه فَرَنگی
tomorrow	فَردا
tomorrow evening	فَرداعَصر،یا شَب
tomorrow morning	فَردا صُبح
tomorrow noon	فَردا ظُهر
tonight	اِمشَب
too	هَم
tooth	دَندان
torpedo	اَزدَر
to say	گفتَن
to see	دیدَن
to sit	نِشَستَن
to take away	بُردَن
to tell	گُفتَن
to wash	شُستَن
train	قَطار
tray	سینی
tree	دِرَخت
trousers	شَلوار
true	راست، صَحیح
tulip	لاله
Turkey (country)	تُرکیه
turkey	بوقَلَمون
twelve	دَوازدَه
twenty	بیست [بیس]
twice	دُوبار، دُو دَفعه [دُو دَفه]
two	دو

U

ugly	زِشت
uncle (maternal)	دایی
uncle (paternal)	عَمو
under	زیر
unfit	ناباب
unfortunately	مُتِأسّفانه
university	دانِشگاه
university student	دانِشجو

they	ایشان [ایشون]، انها [اونا]
thin	لاغَر
thing	چیز
thirsty	تِشنه
thirteen	سیزدَه
thirty	سی
this	این
this morning	اِمروز صُبح
this year	اِمسال
thorn	خار
thousand	هِزار
three	سه
thunderbolt	صاعِقه
tidy	تَمیز
tie	کِراوات
tight	تَنگ
till	تا
time	وَقت، مُوقِع
time (s)	بار، دفعه [دفه]
tiny	ریز
tired	خَسته
tiresome	خَسته کُنَنده
to	به، تا
to be	بودَن، هَستَن
to bring	آوَردَن
to buy	خَریدَن
to carry	بُردَن
to come	آمَدَن
today	اِمروز
to eat	خُوردَن
to exist	هَستَن
together	با هَم
to give	دادَن
to go	رَفتَن
to have	داشتَن
Toman (money)	تومان [تومَن]

why?	چرا
wicked	شَرور
wife	زَن
wind	باد
window	پَنجِره
winter	زِمستان
wise	دانا
with	با
witness	شاهِد
wolf	گُرگ
woman	زَن
word	واژه
work	کار
world	جَهان
worm	کِرم

Y

Yazd (city)	یَزد
year	سال
yellow	زَرد
yes	بَله، [آره]
yesterday	دیروز
yesterday morning	دیروز صُبح
yet	هَنوز
yoghurt	ماست [ماس]
you (sing.)	تُو
you (pl.)	شُما
young	جَوان [جَوون]
youth	جَوان

Z

Zahra (name)	زَهرا
Zhale (name)	ژاله

unripe	کال، نارَس
uproar	هَمهَمه
usually	مَعمولاً

V

vase	گُلدان [گُلدون]
veal	گوشتِ گوساله
veil	چادُر
verb	فِعل
very	خِیلی
very much	خِیلی، خیلی زیاد
vest	زیرپوش
village	روستا
vine	مُو
vocabulary	واژگان
votes	آراء
vowel	واکه

W

walking	گَردِش
walnut	گِردو
warm	گَرم
watch	ساعَت
water	آب
water – melon	هِندِوانه [هِندونه]
way	راه
we	ما
wealth	ثَروَت
weather	هَوا
week	هَفته
well	خوب
what?	چه؟، چی؟
when?	کِی؟
where?	کُجا؟
which?	کُدام [کُدوم]
whistle	سوت
white	سِفید
who?	کی، چه کَسی؟

Notes on how to use the book as a self-tuition device

1 The symbols used are as follows

a) [ ] shows the colloquial form.

b) ( ) indicates what exists in English but not in Persian

c) (=) indicates what exists in persian but not in English

e.g (it) is pretty.

It (= the air) is cold

d) { } means equal choice

e) / means "or"

2 The book comprises eight lessons, which can be covered in about 8 weeks at a rate of 6 hours in the class and at least 6 hours of work at home for doing the exercises and listening to the tapes

3 The first 2 lessons, which include the sounds and alphabet, are of special importance, and must not be left behind until the correct pronunciation of the sounds is attained

4. There is a vocabulary at the beginning of each lesson The learner should first listen to the tape and then try to imitate the pronunciation of the words with a loud voice a few times

5 The pattern sentences marked by "listen and repeat" show grammatical points, and must be studied carefully The learner should first hear them from the tape and then repeat again and again

6 There is a "key to exercises" at the end of the book But on the tape, the key has been recorded instead of the exercise itself The learner can correct his mistakes by referring to the keys

7. Try to use the tapes as much as you can, because the more repetition the quicker learning

8. Finally, there is a word list at the end of the book for the learner's reference

واژه‌ها، عبارتها و جُملِه‌های اِصطلاحی[1]

Idiomatic words, Phrases, and Sentences.

اصطلاح	صفحه	اصطلاح	صفحه
بِبَخشید [بِبَخشین]!	۸۵	خُوشوَقتَم.	۸۶
بِفَرمایید [بِفَرمایین]!	۸۵	خُوش آمَدید [آمَدین]!	۱۴۱
بَنده	۱۱۱	دستِ شُما دَرد نَکُنَد [نَکُنه]!	۱۴۲
بَه‌بَه	۵۶	سَلامٌ عَلیکُم.	۸۵
بِه نَظَرِ شُما	۱۱۰	صُبح به‌خِیر.	۸۹
جَرَیان چیست [چیه]؟	۱۲۶	قُربانِ شُما.	۱۱۲
چَشمِ [چِشم] شما رُوشَن.	۱۱۲	گوشی!	۱۱۱
خُوب [خُب].	۱۱۲	مُبارَکَست [مُبارَکه].	۱۴۳
خُداحافِظ.	۶۱	مُتشَکِّرَم.	۱۵
خُدا را [رُو] شُکر.	۸۵	مَمنونَم.	۱۵
خُدا نِگَهدار.	۸۶	مُوضوع چیست [چیه]؟	۱۲۶

1 For the usage and meaning, see the relevant pages

words, verbs, and the sentences are given

From amongst the various dialects Tehrani accent, which is regarded as "standard" and is used in radio, television and cinema films, has been chosen

The grammar is dealt with through phrases and sentences, just in the same manner a child learns his mother tongue But, since the user of this book is already familiar with the grammatical concepts of his own mother tongue, an extract of every grammatical subject has been presented in the shape of a formula, and a short explanatory footnote in English is given Every grammatical subject is supplied with many examples and different, sometimes long, exercises all of which are in daily common use to make the learner feel himself in a Persian environment so that his desire for learning would continue

English is used as a medium only to the extent of necessity But, of course, the English equivalent of the words and the English translation of the pattern sentences have been given The translation is mostly word-for-word because Persian, and not English, is the traget, and a literally translation can better show the grammatical characteristics of the Persian sentences This is why some of the English sentences might sound non-English

Since the correct pronunciation of the words, phrases, sentences, as well as the intonation carry vital importance in speaking, every effort has been made to make maximum use of audio-visual aids so that the task of learning could be easier and more delightful and, at the same time, maximum result would be obtained in minimum time Accordingly, all the content of the book has been recorded on magnetic tape or cassets, which should be used in conjunction with the book itself In addition, some short video films on the basis of the dialogues in the book have been provided, which has, no doubt, good effect upon the task of language acquisition

It is noteworthy that the book and the corresponding tapes may be used as a self-tuition device when the Persian-speaking teacher is not available, provided that the tapes are so sufficiently heard and repeated that the words and the sentences can be pronounced as they are heard. But, in any case, the Iranian teacher will be very useful in assessing and correcting the learner's pronunciation

As you know, Persian language has played an invaluable role in manifesting the most magnificent thoughts and in stating the finest humane feelings and sentiments during the centuries Literary giants such as

Ferdowssi, Mowlavi, Saadi, Hafez, and many others have presented their immortal masterpieces in this language Learning Farsi and gaining command of it is, therefore, a key to a very rich and wonderful treasure And it is hoped that the AZFA series would serve to make the learning of the language easier and more delightful for the learner

I would like to take this opportunity to express my gratitude to Dr Jaleh Amuzegar, the professor of Ancient Languages at the University of Tehran, for reading the manuscript of this book and making very useful comments and suggestions My appreciation is due to Mr Hassan Askari-Rad for his project of "Teaching Persian to Foreigners By means of Audio-Visual Aids", and for encouraging me to undertake this responsibility My thanks also go to Mr M Massumi whose enthusiastic help made the publication of this book possible Finally, I am indebted to my wife, Dr Iran Kalbassi, for the peace of mind I enjoyed during the compilation of this book

Yadollah Samareh Ph D

National Library Index card No M66 - 580

Name	Persian Language Teaching, Elementary Course, Book 1, series No 1
By	Yadollah Samareh, ph D
Publisher	International Relations Department, Ministry of Islamic Culture and Guidance
First Edition	1988
Printed by	offset incorporation

This book was printed and bound in Tehran, Iran

Preface

This book is the first part of the Elementary course of the "Persian _anguage Teaching" (AZFA) The whole AZFA series comprises three ;ourses Elementary, Intermediate, and Advance The aim of the AZFA series s to teach Persian (Farsi) to foreigners from the beginning to the end, i.e. eading, writing, as well as speaking so that the learner could make use of adio, television, newspapers, and the literary texts, poetry and prose

The Elementary Course consists of two books by which the learner will jet acquainted with the spoken and written styles of Persian to the extent of laily practical needs At the end of this course he will be able to establish nguistic communication with the Farsi speakers, to read the elementary chool texts, to understand and use the idiomatic phrases and grammatical tructures of the colloquial Persian

Farsi, like any other language, has two colloquial and formal styles The ifference between the two varieties, in some cases, is so great that the non-ative speaker would confront difficulty in understanding, and will find imself obliged to learn The colloquial style is characterized by shortening ome words and verbs by means of elisions, assimilations, and certain ocalic changes, the word order is not so fixed and, in some cases, some ements of the sentence may be omitted To illustrate the type of fferences between the two styles, consider the following examples of hich the first form is formal and the second is colloquial

ineshinam mishinam "I sit"

iravand miran "They go"

in nun "Bread"

be khâne âmad un umad khune "He came home"

Both varieties of the language have been dealt with during the mentary course, and parallel to the written form the spoken form of the

AZFA 1

Persian Language Teaching

Elementary Course

BOOK 1

by

Yadollah Samareh ph. D.

Publisher
International Relations Department
Ministry of Islamic Culture and Guidance
Islamic Republic of Iran